

# انترناسیونال



## حزب کمونیست کارگری ایران

انترناسیونال شماره ۹۹۰

جمعه ۲۵ شهریور ۱۴۰۱ . ۱۶ سپتامبر ۲۰۲۲

## آموزش باید رایگان و غیر مذهبی باشد!

حزب کمونیست کارگری ایران

ها خانواده تحمیل کرده است.

با آغاز سال تحصیلی جنب و جوش تازه ای علیه همه این مصائب و مشکلات نیز آغاز میشود. همه این فشارها موضوع اعتراض جامعه است، موضوع کارزارها و بیانیه ها و تجمعات اعتراضی است. کشمکش معلمان با وزارت آموزش و پرورش، علیه کتب درسی مذهبی و مقررات انضباطی و امنیتی و حقوق ناچیز و نامنی شغلی شروع میشود، دانش آموزان به تحمیلات مذهبی تن نمیدهند آخوند را دست می اندازند و ذله میکنند، خانواده ها برای ذره ذره حقوق کودکانشان اعتراض میکنند و دانشجویان دوران پر جنب و جوشی از اعتراض را از سر میگیرند و جنبش مطالباتی بار دیگر اوج میگیرد. آموزش رایگان، آموزش غیر مذهبی و خواست های متعدد معلمان مهمترین محوره های این جنبش است.

آموزش رایگان حق مردم است. شهریه و انواع اخاذی به بهانه های مختلف باید ممنوع شود. کتاب و لوازم التحریر و ایاب و ذهاب دانش

هر سال شروع سال تحصیلی که میتواند روزهای تازه و پراز هیجانی برای میلیون ها دانش آموز و خانواده هایشان باشد، در ایران جمهوری اسلامی به یک کابوس تبدیل میشود و امسال اوضاع از همیشه فاجعه بارتر است. میلیون ها دانش آموز بویژه دختران در حسرت رفتن به مدرسه مجبورند بدلیل فقر و ناتوانی در تامین شهریه و کیف و کتاب و لباس در خانه بمانند و یا وارد بازار بیرحم کار شوند، و آنها که به مدرسه میروند از همان ابتدا با آخوند و انواع تحمیلات عقب مانده و ضد کودک اسلامی مواجه میشوند. دختران و پسران که باید با هم شادی کنند، درس بخوانند و با هم بزرگ شوند، از هم جدا میشوند و معلمی که باید با انرژی و فراغت به آموزش کودکان، آنهم آموزش علمی و نه خرافه، بپردازد مجبور است به فکر اجاره خانه و امنیت شغلی و یا پرونده امنیتی اش باشد و یا در غم محرومیت بخشی از شاگردانش که ترک تحصیل کرده اند. این فاجعه ای است که حکومت مرتجع اسلامی، ضد کودک، ضد شادی، ضد زن و ضد انسان به کودکان و معلمان و میلیون

## جنایتکاران اسلامی مهسای عزیزمان را هم کشتند!



صفحه ۲۱



صفحه ۴

کیفر خواست حزب کمونیست  
کارگری علیه تجاوز جنسی شرعی و  
فانونی به کودکان:  
"کودک همسری" در ایران  
جنایت دولتی است!

## نگ و نفرت بر قاتلین نوید!

کاظم نیکخواه  
صفحه ۳

## تراژدی جان باختن شلیر و برآمد جنبش علیه تجاوز جنسی

مصاحبه حمید تقوایی با کانال جدید  
صفحه ۸

## رئییسی را به مجمع سازمان ملل راه ندهید! به تجمع اعتراضی در نیویورک در ۲۱ سپتامبر پیوندید!

اطلاعیه کمپین برای بایکوت جمهوری اسلامی  
صفحه ۲

## نه به اعدام؛ زهرا صدیقی همدانی و الهام چوبدار را فوراً آزاد کنید!

رنگین کمانان ایرانی

## جامعه بین الملل مقابل حکومت ترور و کشتار میایستد!

## جمهوری اسلامی را باید بایکوت سیاسی، فرهنگی، ورزشی و هنری کرد!

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی  
لیست کمک مالی به کمیته کردستان  
صفحه ۱۳

## اطلاعیه های حزب کمونیست کارگری

صفحه ۱۶ و ۱۴ و ۱۷

## کارزار برای نجات دو فعال ای جی بی تی از اعدام

گفتگو با مینا احدی سخنگوی کمیته بین  
المللی علیه اعدام  
صفحه ۶

## "قیام علیه اعدام"

گفتگو با حسن صالحی از مسئولین کمیته  
بین المللی علیه اعدام  
صفحه ۷

## یک خدا! یک شاه! یک وطن!

در حاشیه مرگ الیزابت دوم  
سیاوش مدرسی  
صفحه ۱۱

## افزایش خودکشی، پیامدها و راه حل ها

نسان نودینیان  
صفحه ۱۲

## اطلاعیه ها کمپین برای آزادی کارگران زندانی

صفحه ۱۷ و ۱۸

## اطلاعیه های کمیته بین المللی علیه اعدام

صفحه ۱۹

## سال تحصیلی جدید؛ پیش به سوی گسترش اعتراضات در دانشگاهها

صفحه ۲۰

ورزشکار و هر انسانی که برای حرمت و شادی و سرنوشت کودکان ارزش قائل است را فرامیخواند که در این مبارزه مهم و انسانی خود را شریک بدانند و نقش خود را برای تقویت یک جنبش وسیع و اجتماعی و تحمیل این خواست ها به مفتخوران مرتجع و فسیل هایی که یک جامعه هشتاد میلیونی را گروگان گرفته اند، ایفا کنند.

آموزش رایگان، شاد، غیر مذهبی، فارغ از تبعیضات جنسیتی و جداسازی جنسیتی حق همه کودکان ما است. با تمام قوا حول این پرچم و مطالبات بحق مان متشکل شویم.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۲۳ شهریور ۱۴۰۱، ۱۴  
سپتامبر ۲۰۲۲

جامعه یعنی خواست های توده عظیم مردم است. میلیون ها خانواده، چند میلیون معلم و دانشجو، نهادهای حقوق کودک، تشکل های معلمان و بازنشستگان و کارگران و کلیه تشکل های مردمی، همه اینها میتوانند در ادامه فعالیت هایی که در سالهای گذشته توسط معلمان، خانواده ها، دانش آموزان و فعالین حقوق کودک شروع شده است، جنبش قدرتمندی را به حرکت درآورند و این خواست های ابتدایی را به کرسی بنشانند.

حزب کمونیست کارگری همه مردم را، معلمان، دانشجویان، دانش آموزان و خانواده های آنها، تشکل ها و نهادهای مردمی، فعالین اجتماعی و چهره های شناخته شده و آزادیخواه از نویسنده و هنرمند و سینماگر و



به آموزش دانش آموزان مشغول شوند. آزادی بیان و عقیده و اعتصاب و اعتراض و تشکل حق بی چون و چرای آنها است. معلمان سالها است پرچم این مطالبات را در دست دارند و بسیاری از آنها بدلیل همین فعالیت ها محکوم شده و به زندان افتاده اند و یا علیه شان پرونده امنیتی درست شده است. همه این پرونده ها باید ملغی شوند و کلیه معلمان زندانی آزاد شوند. اینها خواست های کل

آموزان باید کاملاً رایگان شود، یک وعده غذای گرم و با کیفیت و رایگان حق همه دانش آموزان است. حکومت موظف است به خانواده هایی که قادر نیستند فرزندانشان را به مدرسه یا دانشگاه بفرستند کمک هزینه بدهد. به یک میلیون کودک افغانستان باید شناسنامه داده شود و هر مانعی در مقابل تحصیل آنان برطرف شود. مدارس امن، فضای کافی، تجهیزات آموزشی، سفرهای علمی و تفریحی و نه مذهبی و حکومتی، از دیگر خواست های جامعه است. فقط با یک قلم اختلاس ۹۲ هزار میلیاردی یا بخشی از هزینه ای که صرف دم و دستگاه کثیف مذهبی میشود میتوان همه این نیازها را برطرف کرد.

مذهب و آخوند و مراسم مذهبی را باید از مدرسه بیرون انداخت.

نه کنار آمدن با این حکومت، بلکه انزوای سیاسی جهانی آن و اخراج آن از جامعه جهانی تنها پاسخ مناسب به وحشیگری و تروریسم رژیم اسلامی ایران و رئیس جمهور قاتل آن است.

همگی روز ۲۱ سپتامبر در نیویورک، از ساعت ۱ بعدازظهر، برای تظاهرات در مقابل مقر سازمان ملل جمع می شویم!  
D a m m a r s k j o l d  
P l a z a , E a s t 4 7 t h S t &  
2 n d A v e , N Y 1 0 0 1 7

کمپین برای بایکوت جمهوری اسلامی  
۱۵ سپتامبر ۲۰۲۲،  
۲۴ شهریور ۱۴۰۱

(ترجمه از متن اصلی اطلاعیه به انگلیسی)

Boycott Iran Regime  
Campaign to Boycott the Islamic  
Regime of Iran

h t t p s : / /  
boycottislamicregimeofiran.com  
info@boycottislamicregimeofiran.com

خواهیم که به ابراهیم رئیسی ویزا ندهد. اجازه ورود به آمریکا برای رئیسی برای شرکت در مجمع عمومی سازمان ملل توهینی بزرگ به مردم ایران، مردم آمریکا و خانواده های داغدار قربانیان بی شمار او است.

جای رئیسی نه در مجمع عمومی سازمان ملل بلکه در دادگاه برای رسیدگی به جنایات او علیه بشریت است. تنها سناریویی که در آن باید به رئیسی اجازه ورود به آمریکا داده شود، برای شرکت در دادگاه برای رسیدگی به جنایات او علیه بشریت است!

کمپین ما خواستار بایکوت سیاسی جهانی جمهوری اسلامی، اخراج آن از جامعه بین المللی و محاکمه مقامات آن بدلیل کشتار مردم و جنایت علیه بشریت است.

در یک تجمع اعتراضی در نیویورک گرد هم می آیند. این تظاهرات را باید به یک نمایش بزرگ اعتراض به رئیسی و کل حکومت اسلامی تبدیل کرد!

ابراهیم رئیسی یک جنایتکار تحت پیگرد است که طی سالها در مقام های متعدد در جمهوری اسلامی مسئول کشتار هزاران زندانی سیاسی در تابستان ۶۷ و اعدام، بازداشت، شلاق و شکنجه مخالفین سیاسی، معترضان و شهروندان بی گناه بوده است. دولت رئیسی مسئول بازداشت اتباع خارجی و شهروندان دوتابعیتی در ایران بعنوان گروگان به اتهام ساختگی جاسوسی، و تنها در یک سال گذشته مسئول اقدام برای آدم ربائی و ترور اعضای اپوزیسیون جمهوری اسلامی در خاک آمریکا بوده است.

ما از دولت آمریکا می



شده است یا نه، لازم است برای برپائی قوی ترین اعتراض به حضور این رئیس جمهور قاتل در مجمع عمومی سازمان ملل آماده شویم!

روز ۲۱ سپتامبر، روزی که قرار است رئیس جمهور رژیم اسلامی، اگر موفق به دریافت ویزای ورود به آمریکا شود، حضوراً در مجمع عمومی سازمان ملل سخنرانی کند، جامعه ایرانی و همه مخالفین حکومت اسلامی

مسئول دفتر ابراهیم رئیسی دیروز اطلاعیه های قبلی حکومت مبنی بر شرکت رئیسی در مجمع عمومی سازمان ملل در نیویورک در ماه جاری را تأیید کرد. پیش از این نیز سخنگوی رئیسی ادعا کرده بود که مقدمات سفر وی به آمریکا تکمیل شده است.

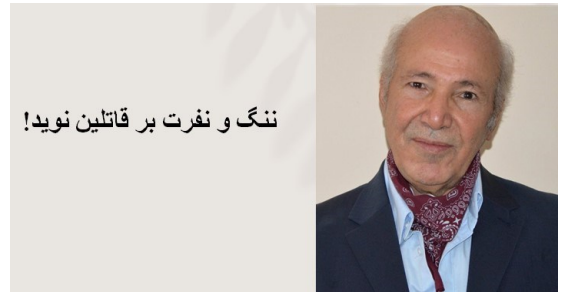
در حالیکه وزارت امور خارجه آمریکا هنوز تأیید نکرده است که آیا واقعا برای رئیسی ویزا صادر





میکنند و روال تصمیم گیری قضات اسلامی را "خیره سرانه" خطاب میکنند. همین مکالمه کوتاه و استدلالات و حق خواهی محکم نوید بروشنی حقانیت نوید افکاری و بی پایگی و ضد انسانی بودن سیستم حاکم را آشکارا به نمایش میگذارد و به همگان نشان میدهد که آنچه سیستم قضائی جمهوری اسلامی خوانده میشود چیزی جز یک سیستم قلدری و بیداد و وحشیگری نیست.

جمهوری اسلامی پیش از چهل سال است که در این جامعه دارد بیرحمانه جنایت و اعدام میکند. اعدام نوید افکاری در ۲۲ شهریور سال ۹۹ فصل تازه ای را در این چرخه کشتارگری گشود و چهره های مظلوم همه قربانیان این حکومت را یک بار دیگر جلو چشمها آورد، و به همگان در سطح جهان یادآوری کرد که ما در این جامعه با چه سیستم خبیثت و خونخواری و بیرحمی بی انتهایی روبرو هستیم. و چقدر مردم حق دارند که فریاد مرگ بر



ننگ و نفرت بر قاتلین نوید!

### کاظم نیکخواه

حاکم را در قلب خود می پرورند. انزجاری که قطعاً انفجار عظیم اجتماعی برای خلاصی از توحش منفور اسلامی و کل سیستم چپاولگری حاکم را بدنبال خواهد داشت. عریبه کشی و وحوش درنده خوی حاکم و دستگیری و فشار بر خانواده افکاری، بیش از هر چیز وحشتناک را از شعله خشم مردم بازتاب میدهد. ننگ و نفرت بر قاتلین نوید افکاری!

در دومین سالگرد اعدام وحشیانه او، سعید افکاری برادر نوید فایل صوتی گوشه ای از دادگاه حکومت را منتشر کرده که صدای نوید شنیده میشود که دادگاه کذابی را به محاکمه میکشد و با حق بجانبی به ناعادلانه بودن احکام این دادگاه اعتراض

یک سال دیگر از اعدام نوید افکاری گذشت. نوید در قلب همه مردم این کشور زنده است و قاتلین او مورد نفرت فزاینده مردم هستند. نام نوید افکاری در سطح جهان با همراهی و مهر و همبستگی میدرخشد و قاتلینش منفورترین و منزوی ترین موجودات عالم هستند. نوید به سمبل حق طلبی مردم، به سمبل خیزش و اعتراض و دادخواهی، به سمبل نسل معترض و خشمگین در مقابل حکومت منحوس و منفور اسلامی تبدیل شده است. او زنده است و زنده خواهد ماند و همه جوانان و مردم بجان آمده این کشور خود را در کنار خانواده افکاری ها میدانند و انزجار و نفرت از توحش

قصاص و سنگسار و تجاوز به کودکان، جمهوری فساد و چپاولهای نجومی و بی حساب و کتاب، باید گوش را از این جامعه گم کند. مردم مصممند خود را از سیطره این نیروی خبیث تاجر و عهد عتیقی و اسلامی و مادون بشری خلاص کنند و خلاص خواهند کرد. مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جامعه انسانی!

جمهوری اسلامی و مرگ بر دیکتاتور سر دهند و با جسارت با دستهای خالی با وحوش تا دندان مسلح بجنگند و حماسه پشت حماسه بیافرینند! جمهوری اسلامی، جمهوری قتلهای زنجیره ای و کهریزک و اعدامهای دسته جمعی در دهه شصت، جمهوری شلیک به هواپیمای مسافربری، جمهوری چوبه های دار و اعدامهای صدهزار نفره، جمهوری لشکر کشی علیه مردم کردستان و ترکمن صحرا، جمهوری صیغه و

### یک دنیای بهتر

تغییر جهان و ایجاد دنیایی بهتر یک امید و آرمان همیشگی انسانها در طول تاریخ جامعه بشری بوده است. علیرغم رواج ایده های قدرگرایانه و خرافاتی اعم از مذهبی و غیر مذهبی حتی در دنیای باصطلاح مدرن امروز، ایده هایی که هر یک به نحوی علاج ناپذیری و مقدر بودن وضع موجود را تبلیغ میکنند، زندگی واقعی و عمل روزمره توده های وسیع مردم همواره حاکی از یک امید و باور عمیق به امکان پذیری و حتی اجتناب ناپذیری یک آینده بهتر است. این امید که دنیای فردا میتواند از محرومیت ها و مشقات و کمبودها و زشتی های امروز رها باشد، این اعتقاد که عمل امروز انسان ها، چه جمعی و چه فردی، در تعیین چند و چون دنیای فردا موثر است، یک نگرش ریشه دار و قدرتمند در جامعه است که زندگی و حرکت توده های وسیع مردم را جهت میدهد.

کمونیسم کارگری قیل از هر چیز به اینجا تعلق دارد، به امید و اعتقاد انسان های بشمار و نسلهای بی در پی به اینکه ساختن یک آینده بهتر، یک جهان بهتر، بدست خود انسان، ضروری و میسر است.

اساس سوسیالیسم انسان است

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

سر دبیر: نسان نودینیان  
ادیتور: کاظم نیکخواه  
انترناسیونال  
نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

www.internationalworker.com  
www.workerpartyofiran.org  
www.workerpartyofiran.com  
www.workerpartyofiran.com  
www.workerpartyofiran.com

کیفر خواست حزب کمونیست کارگری علیه تجاوز جنسی شرعی و قانونی به کودکان:

## "کودک همسری" در ایران جنایت دولتی است!

زایمان، مادری زودرس و ناتوانی از سرپرستی و مراقبت از فرزند خود، و قتل‌های ناموسی تنها بخشی از عوارض جسمی- روانی- اجتماعی است که زندگی کودک همسران را به تباهی میکشد. تباهی ای که کودک قربانی معامله بین پدر و شوهر تحمیلی اش حتی بعد از رسیدن به سن بلوغ حق خاتمه بخشیدن به آن را ندارد. "ازدواج" دختر نوزاد با اجازه ولی مشروعیت پیدا میکند و طلاق او حتی در بزرگسالی با اجازه شوهرش!

رواج خودسوزی بین دخترانی که در کودکی ازدواج کرده اند نشاندهنده شرایط غیر قابل تحمل زندگی تباه شده آنانست. بنا به گزارشات مستند خودسوزی در میان زنان جوانی که "اغلب آنان خیلی زود ازدواج کرده اند و کودک همسر هستند" به امری هر روزه تبدیل شده است. آخرین نمونه رسانه ای شده خودسوزی ۶ زن جوان تنها در عرض یک هفته در دیماه سال گذشته در استان آذربایجان غربی است.

قتل‌های ناموسی نیز از دیگر پیامدهای فاجعه آمیز کودک همسری است. بنا بر آمار دولتی سالانه بین ۳۷۵ تا ۴۵۰ مورد قتل ناموسی رخ میدهد اما گزارشات منابع مستقل این آمار را ۸۰۰۰ نفر در عرض چهارسال (از ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۴) اعلام کرده اند. بخشی از قربانیان این جنایت، مانند مورد مونا حیدری، دخترانی هستند که از کودکی مجبور به ازدواج شده اند.

جنایت "کودک همسری" و پیامدهای فاجعه آمیز آن، برخلاف نظر "اصلاح طلبان" حکومتی که وظیفه خود را مصون داشتن اسلام از تعرض مردم تعریف کرده اند و تلاش میکنند حساب "اسلام واقعی" را از اسلام حاکم جدا کنند، بر تلقی اسلام واقعی از زن بعنوان برده جنسی مبتنی است. ادامه در صفحه ۵

عامل اصلی اشاعه تجاوز جنسی به کودکان است. سرهم بندی شده است. در هیچ کشور دیگری بجز جمهوری اسلامی و برخی جوامع اسلامزده دیگر رابطه جنسی با دختران نابالغ نه تنها مجاز و قانونی نیست بلکه یک جرم سنگین جنائی محسوب میشود. در هیچ نظام و حکومتی که بویی از تمدن برده باشد رابطه جنسی با دختر بچه‌های نابالغ را مجاز اعلام نمیکند و در مورد شیوه‌های مشروع "کامگیری" از نوزادان قلم فرسائی نمیکند. ممکن است فقر و سنتهای عقب مانده در گسترش کودک همسری بی‌تأثیر نباشند اما همین عوامل نیز خود محصول حکومتی است که فقر و فلاکت را بر اکثریت مردم تحمیل کرده و یک رکن قوانین و تبلیغات و اخلاقیاتش رفتار با زنان بعنوان برده جنسی و مشروعیت بخشیدن به تجاوز جنسی به دختر بچه‌ها است. فقر و سنن عقب مانده در بسیاری از کشورها وجود دارد اما نگاه حکومت و قوانین و ایدئولوژی و تبلیغات حکومتی به کودکان و زنان بعنوان کالای جنسی مختص جمهوری اسلامی و برخی جوامع اسلامزده دیگر است.

تجاوز به دختر بچه‌ها از نظر جسمی و روانی و اجتماعی ضربه مهلکی به کودک است. ازدواج قبل از بلوغ جسمی و اجتماعی کودک عوارض جبران ناپذیری دارد که تا آخر عمر زندگی او را به جهنم تبدیل میکند. محرومیت از یک زندگی متعارف کودکی، انواع صدمات وارده به اندامهای جنسی، ترس و وحشت از جنس مخالف، مرگ در موقع

جنسی و سوء استفاده جنسی از دختر بچه‌ها جرم سنگینی محسوب میشود و مرتکبین آن تحت پیگرد قرار میگیرند و مجازات میشوند. در بسیاری از کشورها حتی لمس بچه‌ها از جانب یک مرد غریبه جرم محسوب میشود. اما در جمهوری اسلامی مجرم اصلی خود حکومت است. در اینجا "کودک همسری" یک جنایت دولتی است. جنایتی که بنا به آمار خود حکومت به سرعت رو به گسترش است. بر اساس آمار رسمی در سه ماهه اول سال ۱۴۰۰ تعداد "ازدواج" دختران بین ۱۰ تا ۱۴ ساله نسبت به دوره مشابه در سال گذشته ۳۲ درصد افزایش داشته و به ۹۷۵۳ مورد رسیده است. در سال جاری نیز این آمار ۱۹ درصد رشد داشته است. یعنی در عرض سه ماه به بیش از ۱۱ هزار دختر بچه شرعا و قانونا تجاوز شده است!

البته ابعاد فاجعه بسیار گسترده تر از آنست که آمار دولتی بیان میکند چرا که تنها بخش کوچکی از ازدواج‌های کودکان به ثبت میرسند. اما اگر حتی یک مورد هم بود از شناخت و کراهت این جنایت اسلامی - دولتی چیزی کم نمیشد. مقامات حکومتی و "کارشناسان" ای که شغل شریفشان توجیه جنایات حکومت است عواملی نظیر فقر خانواده‌ها و سنن عقب مانده پدرسالارانه در مناطق روستائی و نظایر آن را عامل گسترده‌ی "کودک همسری" میدانند. میگویند سن ازدواج در کشورها مختلف است و "کودک همسری" در دیگر کشورها هم اتفاق می‌افتد. این توجیهات تنها برای تبرئه حکومتی که خود

مجازاتی تعیین نشده است! عملا اکثر قریب باتفاق ازدواج‌های کودکان بدون رجوع به دادگاه صورت میگیرد ولی حتی اگر چنین نبود چیزی از عمق فاجعه کم نمیشد. ازدواج با کودکان، با یا بدون اجازه ولی و یا تشخیص دادگاه‌های اسلامی، بجز تجاوز جنسی به دختر بچه‌ها، یعنی یکی از شنیع‌ترین جنایتها علیه کودکان، معنای دیگری ندارد. ولی و دادگاهی که این جنایت را مجاز شمرده نیز شریک جرم مرد متجاوز محسوب میشوند.

قوانین اسلامی این جنایت شنیع در حق کودکان را حتی تا سن شیرخوارگی مجاز دانسته است. بنا به نظر آیت الله‌ها و فقهای اسلامی "کام گیری" حتی از دختران نوزاد نیز مجاز است! خمینی، بنیانگذار جمهوری اسلامی، رابطه جنسی با دختران زیر نه سال را در کتاب خود بنام "تحریر الوسيله" مجاز دانسته و در جزئیات تکانه‌دهنده ای تشریح کرده است:

"کسی که زوجه ای کمتر از نه سال دارد، وطی او برای وی جایز نیست چه اینکه زوجه دائمی باشد، و چه منقطع، و اما سایر کام‌گیرها از قبیل لمس بشهوت و آغوش گرفتن و تفخیز اشکال ندارد هر چند شیرخواره باشد."

براستی تهوع آور است! صادر کننده چنین احکامی تنها میتواند یک بیمار روانی، یک مریض جنسی، یک پدوفیل تمام عیار باشد. اما نام اسلامی اش "حضرت امام" و "فقیه عالیقدر" و "آیت الله" است!

در هر نظام و حکومتی که بویی از تمدن و انسانیت برده باشد آزار

"کودک همسری" در جمهوری اسلامی نام دیگری برای تجاوز جنسی به دختر بچه‌ها است. آنچه تحت عنوان "کودک همسری" هر روز اتفاق می‌افتد در واقع جنایت شنیعی است که مشروع و قانونی اعلام شده است. در قوانین جمهوری اسلامی حداقل سن ازدواج برای دختران ۱۳ سال و برای پسران ۱۵ ذکر شده است. این خود مصداق بارز تجاوز به کودکان است، اما فاجعه از این هولناک تر است.

در اسلام و قوانین حکومت که منبعث از فقه اسلامی است محدودیت سنی برای ازدواج وجود ندارد. سن بلوغ شرعی دختران ۹ سال قمری است اما ازدواج با کودکان زیر ۹ سال هم مجاز است. بنا به قوانین شرعی "ولی [پدر یا پدربزرگ] با رعایت مصلحت می‌تواند برای کودک همسر تعیین کند". بعبارت دیگر تجاوز جنسی به دختر بچه‌ها به شرط رضایت پدر امری قانونی است!

جمهوری اسلامی تحت فشار جنبش علیه "کودک همسری" و برای خالی نبودن عریضه از سال ۱۳۸۱ تشخیص دادگاه را هم به پیش شرط‌های تجاوز جنسی به کودکان اضافه کرده است. ظاهرا بیدادگاه‌های اسلامی که خود در صدور حکم اعدام برای کودکان ید طولائی دارند باید تشخیص بدهند که "مصلحت کودک" رعایت شده باشد! معلوم نیست کدام "مصلحت" تجاوز جنسی به دختر بچه‌ها را مجاز میکند! اما حتی رجوع به همین دادگاه‌های فرمال نیز الزامی نیست چرا که برای ازدواج کودکان بدون اجازه دادگاه هیچ



کثیر خواست حزب کمونیست کارگری علیه تجاوز جنسی شرعی و قانونی به کودکان:

## "کودک همسری" در ایران جنایت دولتی است!

ادامه از صفحه ۴

قوانین اسلامی در جمهوری اسلامی در سنتها و مناسبات جوامع عشیرتی و پدرسالار ۱۴۰۰ سال قبل ریشه دارد. سنتهایی که حتی از تمدن عصر خودش هم قرنها عقب تر بود. بر اساس این سنتهای عشیرتی، که اسلام مانند کنسرو تحجر و ارتجاع، آنها را در هاله مقدس "احکام الهی" پیچیده و تا امروز حفظ کرده است، زن کالای جنسی و مایملک مرد ( پدر و بعد از ازدواج شوهر) محسوب میشود. کالائی که میتواند از بدو تولد، با رضایت پدرش، برای استفاده جنسی به شوهرش تحویل داده بشود یا در واقع فروخته بشود. (در ضمن در این معامله مادر، که خود در مالکیت شوهرش است، هیچ کاره است. حتی در صورت فوت پدر این حق

به جد پدری میرسد و نه به مادر). تمام قوانین ضد زن جمهوری اسلامی، از آپارتاید جنسی تا حجاب اجباری، از ممنوعیت دوچرخه سواری تا ممانعت از ورود زنان به ورزشگاهها، از ممنوعیت ازدواج بدون اجازه پدر و طلاق بدون اجازه شوهر تا ممنوعیت رابطه جنسی قبل از ازدواج، و از آموزش دوری و انزوا از جنس مخالف و شرم از بدن خود و از احساسات و غرائز خود به دختران نوجوان تا قتلهای ناموسی و سنگسار، همه و همه ناشی از نگاه به زن بعنوان برده جنسی و ابزار لذتجویی مرد است. کودک همسری اعمال این بردگی از بدو تولد دختران، و شنیع ترین و وحشیانه ترین مصداق آنست. اینجا جسم و روان دخترچه ها در مسلخ لذتجویی شهوانی

و بیمارگونه مالکان آنها قربانی میشود.

باید با تمام قوا علیه این جنایت هولناک که هر روزه علیه کودکان اعمال میشود بمیدان آمد. جامعه این تباهی را هرگز نپذیرفته است و جنبش گسترده ای در دفاع از حقوق کودکان و مشخصا علیه کودک همسری در جریان است. این جنبش باید تعرضی تر و گسترده تر بشود. بر پرچم این جنبش خواستها و اهداف زیر نقش بسته است:

۱- ممنوعیت فوری و بدون قید و شرط "کودک همسری". ازدواج افراد زیر ۱۶ سال باید ممنوع شود و مرتکبین آن تحت پیگرد قرار بگیرند.

۲- ممنوعیت هر نوع رابطه جنسی افراد بزرگسال با افراد نابالغ ولو با رضایت آنها. سن قانونی بلوغ جنسی برای دختران و پسران ۱۵ سال است.

۳- آزادی برقراری رابطه داوطلبانه جنسی میان نوجوانان و همه کسانی که به سن قانونی بلوغ جنسی رسیده اند.

۴- ممنوعیت حجاب کودکان و لغو همه

مقررات و موازین ناظر بر جداسازی جنسیتی در مدارس. مختلط شدن همه مدارس.

۵- آموزش جنسی نوجوانان در مدارس. آموزش جنسی باید جزو دروس اجباری همه مدارس قرار بگیرد.

۶- ممنوعیت کلیه سنن مذهبی و قومی و محلی و غیره که با حقوق کودکان و مصون داشتن آنان از هر نوع آزار و سوء استفاده جنسی مغایر باشد.

۷- پیگرد قانونی همه افراد و مراجعی که عامل "ازدواج کودکان" هستند و یا به نحوی در این جنایت دست دارند؛ اعم از "شوهر" و اولیای کودک و یا دادگاهها و مقامات حکومتی و مذهبی.

"کودک همسری"، با اجازه و تشخیص هر فرد و مرجعی، تجاوز جنسی به کودکان است و جرم سنگین جنائی محسوب میشود.

باید کوشید تا این خواستها و اهداف در سطح هرچه وسیعتری به مضمون اطلاعیه ها و بیانیه ها و طومارها و فراخوانهای اعتراضی در

جنبش دفاع از حقوق کودکان و به گفتمان و مطالبات همگانی در مبارزات میدانی و در مدیای اجتماعی تبدیل بشود.

در سطح جهانی نیز باید دنیا را از عمق فاجعه تجاوز شرعی به کودکان که در ایران در جریان است آگاه کرد و افکار عمومی و نهادهای و نیروهای مترقی را علیه رژیم کودک ستیز جمهوری اسلامی بسیج نمود.

حزب کمونیست کارگری با تمام توان خود برای پیشبرد وظایف فوق و شکل دادن به یک جنبش گسترده و تعرضی علیه جنایت کودک همسری در ایران تلاش میکند.

حزب همچنین اعلام میکند که در جمهوری اسلامی تجاوز شرعی به کودکان یک جنایت دولتی است و نهایتا با سرنگونی جمهوری اسلامی میتوان به این جنایت پایان داد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۳ شهریور ۱۴۰۱،  
۱۴ سپتامبر ۲۰۲۲

افتاده بودند و علنا به اعدام اعتراض می کردند که توجه زیادی را به خود جلب می کرد. بهر حال خطاب ما به خانواده های محکومین به اعدام این است که ما در مبارزه علیه اعدام همراه و پشتیبان آنها هستیم و سعی می کنیم صدای آنها را جهانی کنیم. یک درخواست هم داریم که لیست محکومین به اعدام را همراه با عکس برای ما ارسال کنند. تلاش ما این است که با رسانه ای کردن این اخبار از اعدام محکومین به اعدام جلوگیری کنیم و جمهوری اسلامی را برای لغو احکام اعدام تحت فشار بیشتری بگذاریم.

چرا خانواده های محکومین به اعدام نتوانند تجمعاتی برای متوقف کردن اعدامها در این شهر برپاکنند؟ این مهم است که خانواده ها نه فقط رو به مقامات حکومتی بلکه رو به کل مردم سخن بگویند و از آنها درخواست حمایت و پشتیبانی کنند. حمایت مردمی از این حرکات باعث می شود که قدرت مانور رژیم برای سرکوب این اعتراضات کمتر شود. و تازه اگر هم رژیم از برگزاری این تجمعات جلوگیری کند باید اعتراضات را با قرار قبلی در نقاط دیگری از شهر ادامه داد. چند سال پیش افرادی در شهر سنندج با چوبه دار کوچکی در دست و شعار "نه به اعدام" و "آری به زندگی" در خیابانها راه

دارد در سخنرانی های خود تلاش می کرد که صدای این خانواده ها را به گوش مسئولین حکومتی و جهانیان برساند. مخالفت با اعدام جرم نیست و فرهاد باید هر چه زودتر و بدون قید و شرط آزاد شود. این اعتراضات الگوی مناسبی برای همه خانواده های محکومین به اعدام است تا قبل از اینکه عزیزان آنها اعدام شوند برای نجات فوری آنها وارد میدان شوند. تجمع در مقابل پیدادگاههای رژیم و دفاتر قوه قضاییه ایده بسیار خوبی است. تجربه خانواده ها در تهران و کرج می تواند در سایر شهرها نیز تکرار شود و رژیم را تحت فشار بگذارد. مثلا زندان عادل آباد شیراز یکی از زندانهای است که بیشترین اعدامی را دارد.

چيست؟ شما و کمیته بین المللی علیه اعدام خطاب به این خانواده ها چه پیامی دارید؟

**حسن صالحی:** نفس تداوم این اعتراضات علیرغم کارشکنی های جمهوری اسلامی و دستگیری های صورت گرفته نشان می دهد که جامعه به نقطه جوش خود علیه اعدام رسیده است. این را خانواده ها نیز در سخنرانی های خود بیان کرده اند. می گویند که دیگر نمی خواهند شاهد کشتن عزیزانشان باشد.

در رابطه با دستگیرها باید بگوییم تا لحظه نگارش این مطلب فرهاد قهرمانی ۳۳ ساله هنوز در اسارت رژیم است. فرهاد که پدرش توسط رژیم جمهوری اسلامی اعدام شده است و تجربه بسیار تلخی از اعدام

## "قیام علیه اعدام"

ادامه از صفحه ۷

جلوگیری از اعدام عزیزانشان اعتراض می کنند، اعلام همبستگی می کنیم. مقامات رژیم جمهوری اسلامی باید مجازات اعدام را که مجازاتی بی نهایت ظالمانه و غیرانسانی است، لغو کنند."

### انترناسیونال:

اعتراضات خانواده ها پیگیرانه همچنان ادامه دارد. رژیم سعی دارد از اعتراض آنها جلوگیری کند و حتی شماری از آنها را دستگیر و سپس آزاد کرد. چشم انداز این اعتراضات



**انترناسیونال:** مینا احدی! کمیته بین المللی علیه اعدام در شهر کلن برای نجات جان زهرا صدیقی همدانی معروف به "ساره" و الهام چویدار از فعالین ال جی بی تی که زیر اعدام هستند، روز شنبه دهم سپتامبر میتینگ اعتراضی ای برپا کرد. درباره این میتینگ، سخنرانان و جوانب آن برای ما بگویید.

**مینا احدی:** تظاهرات ما در شهر کلن، در حقیقت یکی از میتینگهایی بود که بر علیه حکم وحشیانه اعدام برای این فعالین ای جی بی تی برگزار شد. همزمان در تورنتو و ونکوور و در ترکیه و جاهای دیگر هم تظاهرات برپا شد و یا فراخوان به تظاهرات داده شده بود. ما در کلن با حضور سرشناسی همچون مریم نمازی، رعنا احمد، احمد شروان و فرزانه فرشپاف و ملیکا احمدی، برنامه را

بیش بردیم و سخنرانها به زبانهای آلمانی و انگلیسی و غربی و فارسی در مورد این واقعه برای حاضرین افشاگری کردند. از جمعیت حاضر در این میتینگ بسیاری میگفتند برای آنها غیر قابل تصور است که دو زن جوان را فقط بدلیل همجنسگرا بودن میخواهند اعدام کنند. تلویزیون فارسی دوپچه وله در محل حضور داشت و خبرنگار کانال جدید هم از میتینگ گزارش تهیه کرد. در بخش پایانی میتینگ چند جوان اسلامبست سعی کردند در این حرکت اعتراضی تشنج ایجاد کنند و شعار الله اکبر و لا اله الا الله و غیره سر دادند که با اعتراض جمعیت روبرو شده و سپس پلیس با گرفتن مشخصات آنها، اعلام کرد که پیگیر این ماجرا خواهد بود و من در همان محل گفتم از اینها شکایت خواهیم کرد چرا که نباید

در اروپا هم اجازه داد این جریانات، جلوی نقد و انتقاد و مبارزه بر علیه جنایات جریانات اسلامی و حکومت را گرفته و فضای وحشت ایجاد کنند.

**انترناسیونال:** صدور حکم اعدام برای زهرا صدیقی و الهام چویدار خشم فعالان بین المللی را برانگیخته است و ضمن اطلاع رسانی در حسابهای کاربری خود خواستار لغو این حکم شده اند. لطفا در مورد بازتاب بین المللی حکم اعدام برای این فعالین و ابعاد این نارضایتی ها در سطح بین المللی برای ما بگویید.

**مینا احدی:** کمپین علیه حکم اعدام این دو جوان اساسا از طریق شبکه شش رنگ و همراهی سازمانهای مدافع حقوق همجنسگرایان و همراهی ما دارد پیش می رود. اعلام اینکه دوزن

۲۴ و ۳۱ ساله که دومی مادر دو کودک هم هست، به دلیل افشاگری در مورد موقعیت همجنسگرایان در ایران و همجنسگرا بودن خود به اعدام محکوم شده اند، موجی از خشم و انزجار را در دنیا دامن زده است. دو طومار اعتراضی علیه حکم اعدام این دو در جریان است. چرا که ساره قبلا دستگیر شده بود و بیش از ۱۵۰ هزار نفر طومار حمایت از او را امضا کرده اند و این آمار هر لحظه در حال افزایش است. اعتراضات و همچنین افشاگرها در رسانه های اصلی اروپایی و سراسر جهان باعث شده دولتها زیر فشار افکار عمومی اعتراض کنند وزارت امور خارجه فرانسه بیانیه داد و خانم آمتسبرگ مسئول حقوق بشر در آلمان این حکم را محکوم کرد و همچنین اتحادیه اروپا روز سه شنبه این

حکم را محکوم کرد. از نظر من باید این اعتراضات را ادامه دهیم تا حکومت زیر فشار اعتراضات مجبور شود حکم را لغو کند.

**انترناسیونال:** لطفا فعالیتهای آتی در این عرصه تا نجات جان زهرا صدیقی و الهام چویدار را توضیح دهید!

**مینا احدی:** ما با مذاکراتی که با مسئولین شبکه شش رنگ داشتیم میخواهیم تظاهراتی بیشتری سازمان دهیم و کمپین را بین المللی تر و کنیم و من از طریق همین رسانه از همه سازمانها و احزاب و شخصیتها در ایران در همه جا میخواهم به این کمپین بپیوندند و کاری کنیم که حکومت اسلامی را نه تنها در دنیا رسواتر کنیم بلکه زیر فشار این حرکت جهانی مجبور کنیم عقب نشینی کرده و ساره و الهام را آزاد کند.





انترناسیونال:

از ۱۵ شهریور ۱۴۰۱ جمعی از خانواده‌های زندانیان محکوم به اعدام، مقابل دادگستری و دادگاه عمومی و انقلاب کرج تجمع کردند و روزهای بعد نیز به تجمعات خود در مقابل قوه قضائیه در تهران با خواست اعدام نکنید، ادامه داده و خواهان توقف اعدام زندانیان هستند. ارزیابی شما از جایگاه سیاسی این تجمعات در فضای سیاسی. اعتراضی کنونی چیست؟

**حسن صالحی:**

همانطور که میدانید اعدام چه زندانیان سیاسی و یا اعدام زندانیانی با جرایم جنایی، یک حربه جمهوری اسلامی برای ایجاد رعب و وحشت در جامعه بمنظور عقب راندن اعتراضات مردم است. بگذارید اینطور بگویم که جمهوری اسلامی فکر می‌کند با اعدامهای بیشتر و ایجاد فضای رعب و سرکوب می‌تواند جلوی اعتراضات فزاینده مردم را بگیرد. اما همین اعتراضات اخیر علیه اعدام که مایلم به آن "قیام علیه اعدام" بگویم نشان می‌دهد که این سیاست‌های سرکوبگرانه جمهوری اسلامی به عکس خودش تبدیل می‌شود و موجب اعتراضات بیشتر در جامعه می‌گردد. چندی پیش قوه قضائیه با صدور یک ابلاغیه داخلی خواسته بود که فوراً تکلیف همه کسانی که زیر حکم اعدام قرار دارند، روشن شود. بدنبال آن ماشین آدمکشی رژیم با سرعت و تعداد بیشتری به

## "قیام علیه اعدام"

گفتگو با حسن صالحی از مسئولین کمیته بین‌المللی علیه اعدام

رژیم را به لبه پرتگاه سرنگونی سوق می‌دهد.

### انترناسیونال:

نکنید شعار محوری این تجمعات است. اهمیت این اعتراضات از منظر جنبش علیه اعدام چیست و رویکرد مردم با آن باید چگونه باشد؟

### حسن صالحی:

آنچه که با اعتراضات اخیر خانواده‌های محکومین به اعدام اتفاق افتاد یک تحول کیفی در جنبش علیه اعدام بود. ببینید ما پیش از این هم اعتراضات خانواده‌ها مثلاً در اصفهان برای نجات جان یک زندانی محکوم به اعدام را شاهد بوده‌ایم. و یا مثلاً حرکت میلیونی در شبکه‌های اجتماعی برای نجات سه معترض قیام آبان ۹۸ که خوشبختانه

شده‌اند و نباید اعدام شوند. آنها صراحتاً از زخمی صحبت می‌کنند که با اعدام بر پیکر این خانواده‌ها و کل جامعه ایران وارد شده است و لذا می‌خواهند که دیگر بیشتر از این تاوان ندهند. اگر چه نزدیکان آنها در معرض خطر اعدام قرار دارند ولی حرفشان فقط عزیزان خود آنها نیست. می‌گویند نه به اعدام و اعدام نکنید حالا محکومین به اعدام هر که می‌خواهند باشند. این خانواده‌ها به صراحت می‌گویند که عدالت در اعدام نیست و اعدام بی‌عدالتی بیشتر است. این یک پیشرفت جهشی و کیفی در جنبش علیه اعدام است. شاید بتوان گفت که جنبش علیه اعدام از اعتراض برای لغو حکم اعدام فرد معین دارد به جنبش برای لغو کلیه احکام اعدام و توقف اعدام‌ها شیفیت می‌کند که در واقع یک مبارزه اجتماعی فراگیر است. بعلاوه دقت داشته باشید که اعتراض این خانواده‌ها توجه ویژه‌ای دارد به پرونده‌های مربوط به مواد مخدر که تا پیش از این در مبارزات اجتماعی کمتر مورد توجه بوده



است. مواردی که تا به حال بیشتر توجه‌ها را بیشتر به خود جلب کرده پرونده افراد سیاسی و یا مردم معترضی بوده است که به اعدام محکوم شده‌اند. ولی با اعتراضات اخیر خانواده‌ها صورت مسئله به اعتراضی علیه کل اعدام‌ها به هر دلیل و بهانه

منجر به نجات آنها از اعدام شد. اتفاق اخیر یک حرکت میدانی در ایران است که علیه مجازات ضد انسانی اعدام است و می‌خواهد که اعدامها در ایران متوقف شود. این خانواده‌ها صراحتاً می‌گویند که اعضای خانواده ایشان قربانی فقر و نداری

اعدام یکبار دیگر اراده مردمی برای پایان دادن به جنایات و آدمکشی دولتی و خنثی کردن سلاح سرکوب و اعدام را به نمایش می‌گذارد. حلقه خشم و نارضایتی فزاینده مردم، جمهوری اسلامی را هر چه بیشتر در منگنه خود قرار داده است و این

تبدیل شد و این یعنی توده‌ای شدن هر چه بیشتر مبارزه علیه اعدام. تا آنجا که به حمایت از این اعتراضات بر می‌گردد تا همینجا هم حمایت نسبتاً خوبی صورت گرفته است. بعنوان مثال ۳۷ نهاد و تشکل کارگری و بازنشستگان و فعالین اجتماعی علیه اعدام بیانیه‌ای در حمایت از این خانواده‌ها صادر کردند. در بخشی از بیانیه چنین آمده است: "به جای اعدام و به قتل رساندن قربانیان شرایط موجود و پاک کردن صورت مسئله، باید بانیان دزد و غارتگر را معرفی و زندانی کرد تا ریشه هرگونه پزهکاری و ناهنجاری اجتماعی خشکانده شود." امضاء کنندگان این بیانیه ضمن حمایت قاطعانه از تجمع خانواده‌های زندانیان محکوم به اعدام، خواهان توقف فوری اعدام زندانیان و لغو احکام اعدام به هر اتهام و بهانه‌ای هستند. طبعاً اگر بخشهای مختلف جامعه هر چه بیشتر از این خانواده‌ها حمایت کنند به نیرومند کردن این اعتراضات کمک موثری کرده‌اند. به همین دلیل فراخوان ما این است که گروه‌های مختلف مردم با صدور بیانیه و یا حضور در اجتماعات این خانواده و یا هر شکل دیگری که خود مناسب میدانند این خانواده‌ها را مورد حمایت بی‌دریغ خود قرار دهند. در سطح بین‌المللی نیز اعتراضات اخیر خانواده‌ها علیه اعدام توجه‌ها را به خود جلب کرده است. گنس کالامارد، دبیرکل سازمان عفو بین‌الملل، روز دوشنبه ۲۱ شهریور، در همبستگی با ششمین روز تجمع خانواده‌های زندانیان محکوم به اعدام مقابل ساختمان قوه قضائیه، در پیامی توثیتری نوشت: "من با بستگان مضطرب زندانیان محکوم به اعدام در ایران که شجاعانه برای ادامه در صفحه ۵

جنبه را من میتوانم اشاره کنم. اول اینکه از یک نظر این نشاندهنده جو عمومی اعتراضی در کل جامعه است. امروز مبارزه بر علیه اعدام هم برآمد تازه ای پیدا کرده است و مردم و خانواده های کسانی که زیر اعدام هستند وسیعا به خیابانها آمده اند و خیلی صریح به نفس مجازات اعدام، و نه فقط علیه این یا آن پرونده و حکم مشخص اعدام، اعتراض میکنند. این سطح اعتراض میدانی علیه اعدام را هم قبلا شاهد نبودیم. مبارزات گسترده دیگری هم در جریان است مثل اعتصابات و اعتراضات کارگران نفت و پتروشیمی، اعتراضات بازنشستگان، معلمان و مبارزه علیه حجاب و غیره که کلا به اعتراضات در عرصه های مختلف ابعاد تازه ای بخشیده است.

در این متن عمومی است که امروز اتفاق مثل مرگ فجیع شلیر، که بقول شما نظایرش قبلا به کرات اتفاق افتاده، به یک جرقه ای تبدیل میشود و این حرکت را بوجود می آورد. نکته دیگر این است که شهر مریوان سابقه مبارزاتی گسترده و قدیمی ای دارد. انواع نهادهای سمن ها، انجمن ها، تشکلهای در این شهر فعال هستند و در مبارزه برای محیط زیست، در مبارزه برای حقوق زن، در مبارزه در دفاع از حقوق کودک، در مبارزه علیه فقر، در مبارزه علیه انواع بی حقوقی ها به خودشان سازمان داده اند. فعالین این عرصه ها متشکل هستند و تعرضی و رادیکال عمل میکنند. این سابقه در شهر مریوان به قدمت عمر جمهوری اسلامی است. از همان مقطع کوچ مریوان در انقلاب ۵۷ این شهر سابقه درخشانی در اعتراض و مبارزه دارد. بر ادامه در صفحه ۹

## تراژدی جان باختن شلیر و برآمد جنبش علیه تجاوز جنسی

به حساب می آید. در اسلام نه تنها تبعیت و تمکین کامل زن یک اصل است بلکه حتی تجاوز به دختر بچه ها تحت عنوان ازدواج شرعی هم مجاز است و دختر بچه هایی که قربانی این فاجعه شده اند حتی بعد از رسیدن به سن بلوغ حق عدم تمکین و طلاق ندارند.

اینها قوانین اسلامی است. ازینرو باید گفت که بی حقوقی زن در ایران پایه اش یک دیدگاه معینی است که زن را اساسا شهروند و مساوی با مرد و یک انسان مستقل بحساب نمی آورد، بلکه تحت قیمومت مردها میداند و بعنوان ملک جنسی مردان و بعنوان کالای جنسی به زنان برخورد میکنند. این اساس مساله در ایران است از جمله اساس مساله تجاوز جنسی که الان بسیار شایع است.

**خلیل کیوان:** فجایعی مثل مرگ شلیر بکرات در سراسر ایران رخ داده است اما کمتر به اعتراض بزرگ منجر شده است. این درجه روشن بودن و آمادگی مردم مریوان به چه خاطر است؟ ویژگی این اعتراض بنظر شما چه بود؟

**حمید تقوایی:** دو

کالائی متعلق به مرد. از نظر اسلام و قوانین حکمت اسلامی زن قبل از ازدواج متعلق به پدر و برادر است و بعد از ازدواج متعلق به شوهر. ازدواج زن بدون رضایت پدر نمیتواند صورت بگیرد، طلاق اش بدون رضایت شوهر نمیتواند اتفاق بیافتد، بدون اجازه شوهر مسافرت نمیتواند بکند، قانونیت "کودک همسری" یک فاجعه است که حتی ازدواج با کودکان زیر ۹ سال را مجاز میداند، همه اینها نشاندهنده این است که زن در جمهوری اسلامی و از دید اسلام و قوانین اسلامی رسما یک برده جنسی و یک کالای جنسی است.

مساله تجاوز جنسی هم دقیقا بر این متن معنی پیدا میکند. حتی تعدد زوجات و صیغه و اینکه در اسلام زن مجبور به تمکین از شوهر است خود اشکالی از تجاوز جنسی است. زن صیغه و همسر موقت یا دائمی از نظر اسلام و قوانین حکومتی موظف است به شوهرش تمکین کند. در حالی که در بسیاری از کشورها، کشورهایی که بوی از تمدن برده اند، رابطه جنسی اجباری حتی در صورت ازدواج هم تجاوز



## حمید تقوایی

متن تدوین شده بر مبنای مصاحبه حمید تقوایی با کانال جدید

**خلیل کیوان:** هفته گذشته شهر مریوان شاهد یک تراژدی انسانی بود. شلیر رسولی هنگام فرار از تجاوز یکی از اوباشانی که در پناه حکومت حاشیه امن دارند، خود را از ساختمانی به بیرون پرتاب کرد و جان باخت. در عکس العمل به این واقعه جمعیت بزرگی از مردم مریوان به خیابان آمدند و مراسم تشییع جنازه او را به یک راهپیمایی سیاسی اعتراضی تبدیل کردند. روز بعد هم تعدادی از زنان و مردان آزادیخواه در سنج دست به تجمع زدند و با پلاکاردهایی که در دست داشتند و بیانه ای که قرائت کردند، انگشت اتهام را بطرف قوانین ضد زن و زن ستیزی حکومت گرفتند. در برنامه امروز به ریشه یابی این فاجعه، بی حقوقی زن در جمهوری اسلامی و قوانین ضد زن میپردازیم و همچنین نگاهی خواهیم داشت به جایگاه مبارزات مردم مریوان.

و خودکشی است...". شما چه رابطه ای بین بی حقوقی زن و جنایات بی شمار و از جمله تجاوز و قتل ناموسی و خودکشی زنان می بینید؟

**حمید تقوایی:** بی حقوقی زن در ایران یک واقعیت بسیار تکانهنده است چون مساله از تبعیض جنسیتی فراتر میرود. اینکه زنان حق طلاق ندارند، حق حضانت از فرزندان ندارند، حق مسافرت بدون اجازه شوهر ندارند، اینکه کودک همسری در ایران قانونی است، و مساله حجاب اجباری و آپارتاید جنسی و غیره و غیره، تمام اینها جنبه های مختلفی از بی حقوقی مفرط زنان در جمهوری اسلامی است که در مقایسه با جوامع دیگر، حتی کشورهای دیگر خاورمیانه، بسیار مساله را عمیق تر و فاجعه آمیزتر میکنند.

آنچه در جمهوری اسلامی همه این بیحقوقی ها را به هم مرتبط میکند و به فجایعی مثل تجاوز جنسی و قتلهای ناموسی و خودکشی و غیره منجر میشود اینست که در قوانین اسلامی، در اخلاقیات اسلامی و در فلسفه اسلامی زن کالای جنسی محسوب میشود،

# سرنگون باد جمهوری اسلامی



## تراژدی جان باختن شلیر و برآمد جنبش علیه تجاوز جنسی

ادامه از صفحه ۸

حکومت و قوانین دولتی حامی این بیحقوقی ها است.

در خیلی از کشورها حتی در کشورهای غربی هم بی حقوقی زن و تجاوز جنسی به زنان اساسا بخاطر فرهنگ مردسالار، بخاطر نگاه سکسیستی به زن یک واقعیت است که

این زمینه است که در اعتراض به مرگ شلیر مردم بسیج میشوند، به حرکت درمی آیند و به بیحقوقی زن اعتراض کنند. به این ترتیب دو فاکتور اجتماعی، فضای عمومی اعتراضی در کل ایران و سابقه مبارزاتی و بخصوص فعال بودن انواع تشکلهای و نهادهای مبارزاتی در شهر مریوان دست به دست هم داده است و این شرایط را بوجود آورده که بنظر من شرایط نمونه واری است و الگویی است برای مبارزات در سراسر ایران و علیه همه مصائب مردم از جمله علیه بی حقوقی زن.

خلیل کیوان: تجمعات اعتراضی مریوان و سنندج و اعتراضات گسترده زنان در سراسر ایران نشان میدهد که جامعه رابطه بی حقوقی زن و قوانین اسلامی را میپشناسد. جامعه میخواهد از این فراتر رود.

آیا با برچیدن قوانین اسلامی که با رفتن جمهوری اسلامی ممکن است زنان از حقوق برابر با مردان برخوردار خواهند شد؟ برابری زن و مرد به چه معنی است و چطور محقق میشود؟

حمید تقوایی: بنظر من سرنگون کردن جمهوری اسلامی و خلاصی از شر قوانین مذهبی یک گام بزرگ و تعیین کننده در پیشرفت جنبش زنان است. اما مساله تماما این نیست کما اینکه در خیلی از کشورها که حکومت اسلامی و قوانین اسلامی حاکم نیست همچنان زنان جنس دوم، شهروند درجه دوم بحساب می آیند و حقوق برابر با مردان ندارند. با اینهمه همانطور که گفتم در ایران این تبعیضات و بیحقوقی ها در سطح گسترده و فجیع و بسیار تکاندهنده ای رایج است بخاطر اینکه

بزرگی است در راه رهایی زن.

البته بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی اثباتا اقدامات زیادی باید انجام داد. باید قوانین بدون قید و شرط در تمام زمینه ها برابری زن و مرد را برسمیت بشناسند. در غرب ما یک انقلاب جنسی در دهه شصت شکل گرفت که تا حد زیادی در زمینه رابطه جنسی و شخصی زن و مرد حقوق زن را با مرد مساوی

است که باید انجام بشود ولی روشن است تا وقتی که جمهوری اسلامی هست هدف اصلی و مانع اصلی، اولین خاگریزی که باید فتح کرد، این است که این حکومت ضد زن را بزیر کشید. این اولین قدم در این جهت است که حقوق کاملا برابر زن و مرد را در جامعه جاری کنیم. در شرایط امروز هدف اعتراضات مردم حکومت جمهوری اسلامی است همانطور که در مبارزات



مردم مریوان و در همه جای ایران مشاهده میکنم. باید اول از شر جمهوری اسلامی خلاص شد تا بتوانیم اصلا صحبتی از آزادی زن و برابری زن و مرد به میان بیاوریم.

خلیل کیوان: برخی بر این باورند که تجاوز جنسی به زنان مساله ای جهانی است. و ریشه و علت آن مردسالاری و نگاه سکسیستی به زنان است که در همه کشورها مشاهده میکنیم. به همین خاطر هم ما شاهد جنبش "می تو" هستیم که در چند سال اخیر در خیلی از کشورهای غربی شکل گرفته و در فضای اعتراضی ایران هم مطرح شده است. آیا در ایران هم مساله تجاوز جنسی ناشی از فرهنگ مردسالارانه نیست؟ مبارزه علیه تجاوز جنسی در جمهوری اسلامی چه

تعریف کرد. در ایران هم باید انقلابی در این زمینه صورت بگیرد. نه تنها تعدد زوجات، صیغه و غیره باید کلا از جامعه جارو بشود بلکه زن و مرد باید حق مساوی در انتخاب همسر و یا شریک زندگی داشته باشند. پدیده ای مثل پدیده ازدواج های سفید را باید برسمیت شناخت. رابطه جنسی بین نوجوانان و بین بزرگسالان قبل از ازدواج باید برسمیت شناخته بشود. هیچ عاملی چه خانواده، چه دولت، چه مذهب، و یا هر مرجع دیگری نباید در رابطه برابر زن و مرد بالغ دخالت کند. رابطه جنسی امر شخصی و خصوصی است. برای تحقق این امر باید بویژه دخالت مذهب در امور شخصی و روابط خصوصی شهروندان را ممنوع کرد. اینها اقدامات اثباتی

خود یکی از مسائل جنبش رهایی زن در بسیاری از کشورها است ولی در ایران این قضیه دولتی و قانونی است. وقتی که حکومتی ورود زنان به ورزشگاهها را ممنوع میکند، دوچرخه سواری را برای زنان ممنوع میکند، آواز خواندن زنان را ممنوع میکند، زنان را عامل فساد و تحریک کننده مردان تلقی میکند، آپارتاید جنسی برقرار میکند و حجاب را اجباری میکند، حتی بلند خندیدن و رقص و آواز زنان را نشانه "بی عفتی" میداند، وقتی همه اینها جزئی از قوانین و اخلاقیات و فلسفه سیاسی حکومت است، آنوقت نمیشود مساله را با فرهنگ مردسالار توضیح داد. اینجا مساله دولتی است، مساله قوانین است و به همین دلیل خلاصی از شر این حکومت یک گام

ویژگیهای دارد؟ حمید تقوایی: همانطور که اشاره کردید در کشورهای غربی هم جنبشی مثل "می تو" علیه تجاوز جنسی شکل گرفته است. منتھی همچنانکه در سؤال قبلی توضیح دادم یک فرق اساسی بین شرایط ایران و دیگر کشورها وجود دارد. اینجا حکومت و قوانین دولتی و اخلاقیات و سنتهای مذهبی اشاعه دهنده تجاوز جنسی به زنان هستند. صیغه و مساله تعدد زوجات و حجاب اجباری و آپارتاید جنسی و معرفی زنان بعنوان عامل فساد و تحریک مردان در تبلیغات رسمی و دولتی همه زمینه ساز تجاوز جنسی به زنان است. اینها یعنی دولت و قانون پشت بی حقوقی زن هست. در ایران نه تنها رفتار با زن بعنوان کالای جنسی جرم نیست بلکه امری است که دولت آنرا قانونی و مشروع کرده است. فقط کافی است این مورد را در نظر بگیریم که در همه کشورها نه تنها رابطه جنسی بلکه هر نوع سوء استفاده جنسی از کودکان یک جرم جنائی مهم محسوب میشود. در جمهوری اسلامی این امر قانونی است. این امر در اسلام مشروع است و قوانین حکومت هم که از اسلام نشأت گرفته این تجاوز جنسی به کودکان را رسمیت بخشیده است. در اسلام و قوانین حاکم حداقل سن ازدواج وجود ندارد. یعنی مرد در هر سنی میتواند با دختران خردسال، حتی دختر نوزاد، ازدواج کند. فقط باید رضایت پدر کودک را جلب کرده باشد. در احکام اسلامی به تفصیل توضیح داده اند که چطور میشود از کودک شیرخوار "کامگیری" کرد. چنین احکامی چنان تهوع آور و ادامه در صفحه ۱۰

## تراژدی جان باختن شلیر و برآمد جنبش علیه تجاوز جنسی

ادامه از صفحه ۹

فرهنگ و سنن بجای حتی از بزبان آوردنش شرم میکند. ولی اینها در جمهوری اسلامی قانون است.

شنیع است که انسان حتی از بزبان آوردنش شرم میکند. ولی اینها در جمهوری اسلامی قانون است.

همه اینها نشان میدهد که اگر در کشورهای غربی زنان با فرهنگ مردسالارانه و سکسیستی مواجه هستند و علیه بی حقوقی و تبعیض عملی علیه زن در جامعه مبارزه میکنند در ایران مساله از این فراتر است. اینجا زنان با بیحقوقی و تبعیض قانونی و رسمی مواجه اند. اخلاقیات اسلامی، قوانین اسلامی، کل حکومت اسلامی و تبلیغات حکومتی هر روز از منبر و نماز جمعه و رسانه ها و غیره زن را بعنوان ضعیفه و ناموس مرد، بعنوان منبع فساد، بعنوان تحریک کننده مردان، بعنوان کسی که باید خودش را در حجاب بپوشاند و حتی نباید بلند بخندد چون سبب تحریک و به گناه آلوده شدن مردان میشود، در نظر میگیرند و معرفی میکنند. در جمهوری اسلامی همه قوانین در این جهت است. به همین خاطر من فکر نمیکنم بتوان گفت که در ایران هم مثل همه جای دنیا ریشه مساله اخلاقیات مردسالارانه و یا فرهنگ و سنن سکسیستی و عقب مانده و غیره است. در ایران اخلاقیات و فرهنگ عقب مانده ضد زن اولاً مبتنی بر مذهب حاکم است و بهمین دلیل بسیار گسترده تر و فجیع تر از جوامع دیگر است و ثانیاً امری دولتی قانونی است. به همین خاطر ابتدا باید تکلیف این حکومت را روشن کرد. باید این حکومت را بزیر کشید تا بتوانیم با فرهنگ مردسالارانه هم مبارزه کنیم. این هم جزئی از مبارزه برای رهایی زن است ولی امروز پرداختن به

فرهنگ و سنن بجای حتی از بزبان آوردنش شرم میکند. ولی اینها در جمهوری اسلامی قانون است.

همه اینها نشان میدهد که اگر در کشورهای غربی زنان با فرهنگ مردسالارانه و سکسیستی مواجه هستند و علیه بی حقوقی و تبعیض عملی علیه زن در جامعه مبارزه میکنند در ایران مساله از این فراتر است. اینجا زنان با بیحقوقی و تبعیض قانونی و رسمی مواجه اند. اخلاقیات اسلامی، قوانین اسلامی، کل حکومت اسلامی و تبلیغات حکومتی هر روز از منبر و نماز جمعه و رسانه ها و غیره زن را بعنوان ضعیفه و ناموس مرد، بعنوان منبع فساد، بعنوان تحریک کننده مردان، بعنوان کسی که باید خودش را در حجاب بپوشاند و حتی نباید بلند بخندد چون سبب تحریک و به گناه آلوده شدن مردان میشود، در نظر میگیرند و معرفی میکنند. در جمهوری اسلامی همه قوانین در این جهت است. به همین خاطر من فکر نمیکنم بتوان گفت که در ایران هم مثل همه جای دنیا ریشه مساله اخلاقیات مردسالارانه و یا فرهنگ و سنن سکسیستی و عقب مانده و غیره است. در ایران اخلاقیات و فرهنگ عقب مانده ضد زن اولاً مبتنی بر مذهب حاکم است و بهمین دلیل بسیار گسترده تر و فجیع تر از جوامع دیگر است و ثانیاً امری دولتی قانونی است. به همین خاطر ابتدا باید تکلیف این حکومت را روشن کرد. باید این حکومت را بزیر کشید تا بتوانیم با فرهنگ مردسالارانه هم مبارزه کنیم. این هم جزئی از مبارزه برای رهایی زن است ولی امروز پرداختن به

سابقه درخشانی در مبارزه دارد. همانطور که بالاتر توضیح دادم این مبارزات از همان سال ۵۷ با کوچ مریوان آغاز شد. این که این شهر در کردستان است و کردستان هم از آغاز با جمهوری اسلامی رودرو شد و با مبارزه مسلحانه در برابر حکومت ایستاد، اینکه در اعتراض به حکومت تازه بقدرت رسیده علاوه بر کوچ مریوان قیام سنندج را داشتیم و از آن روز تا کنون اعتراضات اجتماعی در عرصه های مختلف ادامه داشته، همه اینها باعث شده شهر مریوان موقعیت ویژه ای داشته باشد. خیلی ها این تاریخچه را نمیدانند و باید تاریخ مبارزات و تجربیات این شهر را بیشتر به جامعه معرفی کرد و با اطلاع همگان رساند. البته خواستهای حق طلبانه و انسانی مردم به هیچوجه به این شهر محدود نیست. مبارزه برای حقوق کودک، مبارزه علیه تخریب محیط زیست، مبارزه علیه تبعیض به زنان، مساله تبعیض ورزشی علیه زنان مثل ممنوعیت دوچرخه سواری، شرکت در ورزشگاهها، حقوق برابر در روابط خانوادگی و غیره و غیره مبارزاتی است که کمابیش در همه جای ایران در جریان است. بویژه مبارزه علیه مساله حجاب و جداسازی جنسیتی از همان ابتداء، زمانی که بیش از چند هفته از روی کار آمدن جمهوری اسلامی نمیگذشت، شکل گرفت که اولین تظاهرات توده ای علیه سیاستهای ضد زن جمهوری اسلامی بود. به این اعتبار باید گفت

مبارزه برای رهایی زن مبارزه ای عمومی است. منتهی الگوئی که مریوان بدست میدهد اساس و محورش از یکسو تشکل و مبارزه متشکل است و از سوی دیگر متحد بودن نهادها و اکتیویستها و فعالین در عرصه های مختلف. شاید مریوان چون شهر نسبتاً کوچکی است فعالین، در مقایسه با تهران و اصفهان و غیره، خیلی به هم نزدیک تر هستند. نه تنها در مدیای اجتماعی بلکه در جامعه هم همدیگر را می شناسند و ارتباطات حضوری دارند. فاکتور مهم دیگر اینست که مشخصاً نیروها و فعالین چپ، بخاطر سابقه نیروهای مثل حزب کمونیست ایران و کمونیسم کارگری و کومله، در کردستان و در شهر مریوان پایگاه وسیعتری دارند. این عوامل دست بدست هم میدهند و الگوی کارآمدی را در برابر جامعه قرار میدهند. الگوئی که قبل از هر چیز باید مورد توجه فعالین جنبشهای اعتراضی بخصوص جنبش رهایی زن قرار بگیرد. تجربه مریوان نشان میدهد که باید در فعالیت میدانی در کنار هم قرار گرفت، بیانییه ها و فراخوانها مشترک داد، باید ارتباطات را گسترش داد، باید بر همبستگی بین جنبش رهایی زن و جنبشهای دیگر تاکید کرد و آنها را به هم وصل کرد. به نظر من اتحاد و همبستگی عملی که با ارتباط گیری و اراده و خواست فعالین آغاز میشود حلقه اصلی است

که باید در دست گرفت. و در این میان نقش تشکلهای بسیار تعیین کننده است. تجربه مریوان اگر چیزی را نشان بدهد قدرت تشکل است. قدرت فعالیت اجتماعی و اعتراضی با اتکا به انواع تشکلهای مختلف است. مستقیماً اعتراضی نیست، بلکه نهادها و کانونهای اجتماعی ای که آنها هم در زمینه مسائل اجتماعی جمهوری اسلامی را بجالش میکشند نیز نقش مهمی در توده گیر شدن اعتراضات دارند. مانند انجمنها و سمن ها و کانونها و انواع نهادها که از دفاع از حقوق حیوانات بگیرند تا ورزش و غیره و غیره را امر خود قرار داده اند. اینها دستاوردهای مردم مریوان است که به نظر الگوئی است که باید بیشتر دریاباش صحبت کرد و بیشتر آنرا معرفی کرد با این هدف که فعالین در شهرهای دیگر هم به همین شیوه روی بیاورند؛ در فعالیتهای اجتماعی-سیاسی - مطالباتی انواع انجمنها و سمن ها و نهادها را سازمان بدهند و دست در دست هم مبارزات را به پیش ببرند. من امیدوارم مبارزه پرشور مردم مریوان علیه تجاوز جنسی عملاً نمونه و الگوئی بشود که بقیه شهرها هم به آن بپیوندند. فی الحال شهر سنندج به حمایت از مریوان برخاسته. امیدوارم سایر شهرها هم به شیوه های سازماندهی و همبستگی که تجربه مریوان بدست داده است روی بیاورند.





## یک خدا! یک شاه! یک وطن! در حاشیه مرگ الیزابت دوم

**سیاوش مدرسی**  
دیگر درک اینکه مقدساتی مثل خدا، وطن و شاه بیشتر از آنکه مفاهیمی الهی باشند مفاهیمی کاملاً زمینی و بخاطر مصالحی کاملاً زمینی ساخته و پرداخته شده‌اند، موضوعاتی پیچیده و نیازمند اثبات نیستند! این انسانها و منافع طبقاتیشان است که خدا میسازد، میهن و شاه میسازد تا انسانهای بیشماری در راه بقا و اقتدار آنها کشتار کنند، ویران کنند و جان فدا کنند!

عروج ادیان تک خدایی در قرون وسطی از ضرورت زمینی متحد کردن قبایل متخاصم و ساختن قلمروی مشترک ناشی میشد، حاکمیت واحد و کسب سود بیشتر در مقابله با قلمروها و خدایان و شاهان و پیامبران رقیب بود. برای مثال ظهور دین اسلام و خدای واحد و سخن گو و نماینده زمینیش محمد پسر عبدالله در شبه جزیره قبایل از هم گسیخته عربستان ضرورت پایان دادن به تخاصم قبایل و زمینه ساز وحدت آنها برای برپایی امپراطوری ثروت و جنایت اسلامی در تاریخ بشر بود. همین حکم را میتوان در مورد تمام امپراطوری‌ها از هخامنشیان گرفته تا مغول و رم و فرانسه بناپارتی و امپراطوری بریتانیای کبیر هم صادق دانست.

اما بخشهایی از سنن و فرهنگ طبقات مسلط برای حاکمیت در قرون وسطی به قرن ۱۸ و ۱۹ و تا امروز جوامع بشری با تفاوت‌های زیادی منتقل شده است. با این پیش فرض که: " قدرت

دولتی نوین فقط کمیته‌ای است که امور مشترک همه طبقه بورژوازی را اداره مینماید" (مانیفست کمونیست\_ کارل مارکس) و مقدسات قرون وسطی در خدمت اقتدار قدرت دولت جدید سرمایه‌داران قرار میگردد، در یک کلام: "بورژوازی انواع فعالیت‌هایی را که تا این هنگام حرمتی داشتند و بدانها با خوبی زاهدانه مینگریستند را از هاله مقدس خویش خارج کرد. پزشکی و دادرسی و کشیش و شاعر و دانشمند را به مزدوران جیره خوار خود مبدل ساخت." (مانیفست -

مارکس)  
به این ترتیب متولیان خدا و شاه و میهن هم به مزدوران جیره‌خوار گردش سود و منافع حاکمیت و "امور مشترک همه طبقه بورژوازی" تبدیل شدند. هیاهو و تبلیغات کرکننده و آزاردهنده مرگ "الیزابت الکساندرا مری" معروف به الیزابت دوم پادشاه بریتانیای کبیر توجه زیادی را به علت وجودی این نهاد پرهزینه و بی‌مصرف جلب کرده است، قضاوتها به شکل حیرت انگیزی متفاوت و متضاد هستند!

از تحلیلهای مسخره و " دائی جان ناپلئونی" ایرانیان پاک‌نژاد و بدون خطا تا هزینه‌های میلیاردری دولت بریتانیای کبیر از صندوق مالیات مردم زحمتکش تا تجلیل پرمطراق ولیعهد بازنشسته و "جارجی اعظم کاخ سلطنت" و رؤسای دو مجلس عوام و لردها بعنوان رعایای سلطنت و جنجال شبانه روزی تمامی تلویزیونهای و خادمین و مبلغین وضع موجود و مسابقه آنها برای نمایش

دادن صف عمله و اکره دربار در لباسهای قرون وسطی‌ای منگوله دار و کلاههای پشمی و رژه مسخره حافظان نهاد سلطنت به اصطلاح مدرن تهوع آور و مسخره هستند.

ملکه الیزابت دوم مرد، او ۷۰ سال و ۲۱۴ روز سلطنت کرد یعنی طولانیترین دوران سلطنت در تاریخ انگلستان. اما مستقل از این تا بیخ و اعداد و ارقام او وارث حاکمیتی بود که از "عصر ویکتوریایی" (دوران سلطنت ویکتوریا مقارن با عروج سرمایه‌داری انگلستان، تجارت و گسترش امپراطوری مستعمراتی بود که آفتاب در آن غروب نمیکرد) بجای مانده بود، در پایان جنگ دوم جهانی دیگر از امپراطوری بریتانیای کبیر جز نامی و چند کیلو مدال و مشتی مزخرفات و سرود ملی و سلطنت چیزی برجای نمانده بود!

مستعمرات رها شده بودند، دولت امریکا بعنوان قدرت پیروز در جنگ دوم جانشین سلطنت و میراث عصر ویکتوریایی شده بود، امروز دیگر از لاشه عریض و طویل بزرگترین کشوره استعمارگر جهان، ۱۶ کشور در یک اتحادیه اقتصادی به نام کشورهای مشترک المنافع چیزی برجای نمانده است، سلطه سیاسی باسماهای شاهان و شاهزادگان ویلز در انگلستان. البته قابل ذکر است که چهار حکومت خودمختار انگلند، ویلز، اسکاتلند و ایرلند بر سر ماندن و یا ماندن در اتحادیه سلطنتی انگلستان و بریتانیای کبیر در جدال و کشمکش دائمی هستند و

بسیاری از کشورهای مشترک المنافع که از نظر سیاسی صرفاً تابع سلطنت بریتانیا هستند در سودای از بیخ ریش کردن این تابوی مضمحل و قرون وسطی‌ای هستند.

امروز که الیزابت دوم بلاخره مرده است و پزیرترین ولیعهد جهان یعنی پسرش چارلز ۷۳ ساله که اعلام فرموده دوست دارد بعنوان چارلز سوم سکه بنامش زده شود شاه شده است. در این سلطنت مدرن شاه یا ملکه هیچ مسئولیتی جز تولید مثل، سفر، سر زدن به کاخهای قرون وسطایی، شکار، پیام دادن به مردم، اسب سواری، جهانگردی و اجرای مناسک احمقانه و پرهزینه که بیشتر به بالماسکه‌های قرون وسطایی شبیه است ندارد! میلیاردها دلار هزینه خدم و حشم و مناسک تولد و ازدواج و وضع حمل و دست آخر مناسک مرگشان است، تا جایی که این خانم الیزابت دوم برای حمل تابوتش سفارش یک اتوموبیل شیک با پنجره‌های بزرگ برای اینکه مردم تابوتش را ببینند و حال کنند داده است.

اما خرج این همه هزینه از کیسه مردم بی‌دلیل هم نیست. نظام سرمایه‌داری در انگلستان این نهاده پوسیده و گندیده را برای حفظ اقتدار طبقاتی خودش نیاز دارد. این همه جنجال و مناسک و نمایش‌های قرون وسطایی بخاطر تحکیم وطن پرستی و ناسیونالیسم بریتانیای به اصطلاح کبیر است. از اسکاتلند که در آستانه اعلام رای گیری جدید برای استقلال است تا معرکه "برگزیت" و جدایی کل بریتانیای کبیر از اقتدار اتحادیه اروپا و اوج گرفتن زمزمه نارضایتی در ایرلند و تمایل به جدایی استرالیا و کانادا از سلطه سیاسی کشورهای مشترک المنافع همه و همه قرار است فعلاً و تا اطلاع ثانوی پشت تابوت ملکه سکوت

کنند، به صف شوند و قدر خاندانی غرق در فساد اما سمبل وطن پرستی و ناسیونالیسم بریتانیای کبیر و اقتدار سیاسی او باشی مثل بوریس جانسون را بدانند!

عریضه‌های "خدا شاه را حفظ کند!" تنها و تنها در خدمت کنسرنها و بازار تجارت و تولید و رقابت سرمایه‌داران این کشور است. از جمله خدمات شگفت‌انگیز و میراث الیزابت دوم را اینطور مشق میکنند: ۱۵ نخست وزیر و از جمله اولین آنها ویستون چرچیل از دست او حکم نخست وزیری گرفته‌اند، تعداد رئیس جمهورهای امریکا که با او دیدار کردند ۱۳ نفر است، به ۱۱۰ کشور سفر کرده، ۱۵۲ رهبر جهان ایشان را ملاقات کرده و از جمله کارهای مدرن او دادن پیام تبریک سال نو میلادی به رعایا بوده.

ناگفته نماند که رویا و مخدر زندگی شاهانه به اندازه مخدر کلیسا تاثیرگذار است. مردم در تصاویر و رپرتاژهای خانوادگی این خانوار تنها رویای سعادت، سعادت اخروی و بهشتی در جامعه‌ای را تجربه میکنند که جز کار کار، مالیات، بیکاری و گرانی و مبارزه برای بهبود حداقل زندگی چیزی به نصیب نمیرند!

اما بریتانیا در دوران شدیدترین بحرانها و تورم و گرانی اقتصادی بسر میبرد و چشم‌انداز اعتراضات خیابانی و اعتصابات روز به روز به پیش‌صحنه اجتماعی رانده میشود. پیش‌بینی میشود که فردای مناسک کفن و دفن و بالماسکه مسخره دولت بریتانیا غوغای خیابانها، کارخانه‌ها و مراکز کار خواب راحت را از چشم سران و معرکه‌گیران خواهد ریود!



زندن به خودکشی را راحت و بیشتر کرده است. جامعه ایران تحت حاکمیت یکی از هارترین و فاسدترین رژیم های سیاسی قرار دارد. طبق آمار که هر ده سال یکبار منتشر میشود به ازای هر ۴ ایرانی یک نفر به اختلال روانی مبتلا است.

چندین و چند میلیون پرونده قضایی در جریان است! در حوزه اجتماعی توجه به اختلال های روحی زیر صفر است. کاظم ملکوتی، عضو هیات مدیره جمعیت پیشگیری از خودکشی ایران در زمینه خدمات بیمه ای میگوید؛

«برخی مراکز طبی روانپزشکی رایگان هستند، اما یک طیفی، از رایگان تا مبالغ بالا وجود دارد، مبالغی که تحت هیچ پوشش بیمه ای قرار ندارند، از جمله آنها می توان روانکاو را نام برد. روانکاو از جمله مشاوره های گران است.»  
پر واضح است که گرانی خدمات روانپزشکی را باید ضریدر موقعیت شغلی و درآمدی و هزینه هایی از قبیل تامین روزانه معیشت و گرانی مواد غذایی و دارویی و بستری شدن در بیمارستان، ویزیت های سربه فلک کشیده دکترها و دیگر مراقبت های ویژه بیمارانی که به مشکل روحی. روانی درگیر هستند، کرد.

شیوع افسردگی در جامعه ارتباط مستقیم با شرایط خانوادگی، مسایل اجتماعی و اقتصادی دارد. این روزها که فشار اقتصادی و محرومیت های اجتماعی و عدم دسترسی به رفاه و شادی و سلامتی و تغذیه کافی سربه فلک زده قطعاً شیوع بیماری افسردگی از هر دوره ای بیشتر و عمومی تر شده است. قطعاً فقر اقتصادی کنونی نیز فشارهای بسیاری از قبیل گوشه گیری، احساس ناامنی و خودکشی را موجب می شود.

## افزایش خودکشی، پیامدها و راه حل ها نسان نودینیان

دلیل ازدواج اجباری خود را آتش میزند، شیرین کمری ۱۷ ساله به دلیل فشار به ازدواج اجباری با اسلحه خودکشی میکند. بنفشه ۱۸ ساله مادر دو کودک در ۱۱ سالگی ازدواج کرده بود.

سحر خدایاری دختر آبی یک هفته پس از خودسوزی در مقابل دادگاه انقلاب تهران، روز دوشنبه ۱۸ شهریور ۹۸ در بیمارستان جان باخت. در اوایل مهر ماه ۱۳۹۹ دو دختر نوجوان «رژوان شریفی» و «بهاره توریوری» در سندانج اقدام به خودکشی کرده و متأسفانه جان خود را از دست دادند. شلبر رسولی دختر جوانی که برای فرار از تجاوز خود را از ساختمان به بیرون پرتاب کرد، در ۱۷ شهریور امسال بر اثر جراحات شدید به ویژه ضربه به مغز در بیمارستانی در سندانج درگذشت. در ۸ ماه گذشته بیش از ۴۰ کودک خودکشی کرده اند.

سن کسانی که اقدام به خودکشی کرده اند از دوازده سال تا سنهای بالاتر از چهل سال و بیشتر دیده میشود. و گزارشها میگویند که بالاترین آمار خودکشی در سنی ۱۵ تا ۲۴ سال هستند.

خودکشی عمدتاً حلق آویز کردن، خوردن قرص، خودسوزی و خودکشی با اسلحه، و خود را از بلندی پرت کردن بوده است.

سیستم حاکمیت سرمایه داری. اسلامی در ایران زمینه های دست

رئیس کمیته پیشگیری از خودکشی انجمن علمی روانپزشکان ایران می گوید: مسئله خودکشی عمیقاً تحت تأثیر عواملی مثل فقر، بیکاری، جنسیت، تبعیض، خشکسالی و عوارض آن یعنی جابه جایی های جمعیتی است، که به دنبال تغییرات اقلیمی صورت می گیرد. و «مرگ بر اثر خودکشی در ایران از ۴ تا ۴۰۲ در ۱۰۰ هزار نفر به ۷ در ۱۰۰ هزار نزدیک شده است.»

نرخ خودکشی در زنان ۳۰ درصد بیشتر از مردان است. دلیل افزایش خودکشی زنان و افزایش بیشتر از سی درصدی خودکشی زنان واضح است: آپارتاید جنسی، خشونت علیه زنان، ستم سیستماتیک بر زنان در مراکز کار، در سطح جامعه، در قوانین شرعیه، و بالا بودن نرخ بیکاری و نابرابری درآمد، افزایش فشار و محدودیت در مقابل استخدام و فعالیت های اجتماعی بالا بودن طلاق، فقر، خشونت خانوادگی، ناامنی جانی و امثال این ها. زنان در این جامعه هر روز خود را در معرض حملات خشونت بار بسیج و حزب الله و اسیدپاشی و دستگیری می بینند، زن ستیزی رسمی و قانونی و نهادینه شده است. خودکشی برای فرار از ازدواج اجباری هم یک واقعیت تلخ دیگر است. برای نمونه خودکشی دنیا نودری ۱۸ ساله برای فرار از ازدواج اجباری را شاهد بودیم که تکان دهنده بود. شلر برزنجنی ۲۸ ساله به

به آنها انسانی ترین اقدامی است که باید انجام داد.

متأسفانه در ایران خودکشی رو به فزونی است. و این نمودی است از مصایب انسانی و اجتماعی در جامعه که به درد و رنج مردم مدام میافزاید. اما فضای غالب بر جامعه، مبارزه و سرنگونی و انقلاب برای تغییر شرایط ضد انسانی است. مردم وسیعاً با عالی ترین احساس انسانی و مبارزاتی علیه حکومت اسلامی در دفاع از آینده و کرامت و حرمت انسانی ایستاده اند و مبارزه میکنند. تظاهراتهای مردم مریوان و سندانج علیه حکومت اسلامی و آپارتاید جنسی و ستم کشی بر زنان، اعتصابهای کارگری، تجمع خانواده های زندانی محکوم به اعدام در تهران، دادخواهی خانواده های جانباختگان و گسترش اعتراضات مردم علیه گرانی و فقر نقطه اینها تنها گوشه ای از تحول عظیمی

ار که در جریان است بازتاب میدهد. اینها قدرت جامعه امروز در ایران است. امید آینده جامعه همین مبارزات و گسترش آنها است و با تشویق همه مردم به پیوستن به این مبارزات و گسترش این مبارزات باید فضای یاس و سر خوردگی در میان برخی افراد را خنثی کنیم.

در کنار فقر و دسترسی نداشتن به امکانات مالی کافی و تامین بی دغدغه زندگی نداشتن پوشش بیمه ای و حمایتی برای چند میلیون مریض در معرض بیماری های روانی بر میزان خودکشی میفزاید.

راه مبارزه با شرایط نابسامان کنونی و مبارزه با پدیده خودکشی تحقق سعادت و خوشبختی مردم در جامعه است. زندگی با رفاه اجتماعی، دسترسی به امکانات مالی و تامین زندگی در شان انسان امروز بدور از فقر و تحقیر انسانها، به هر درجه با استانداردهای بالا و امروزی تامین شود، خوشبختی و سعادت، کرامت و حرمت انسانی مردم بیشتر و بیشتر میشود. تامین این شرایط فقط و فقط با سرنگونی و کوتاه کردن دست حاکمیت اسلامی، از بین بردن ستم و آپارتاید جنسی جنایتکاران حکومت فاسد اسلامی، ممکن است.

در عرصه مبارزه اجتماعی دخالت فعالین توده ای در شهرها و گسترش اتحاد و ایجاد کانون های مردم در محلات اقدامات موثری خواهند بود. درک و حمایت از کسانی که در افسردگی هستند و یا تحت مداوا و درمان روانپزشکی قرار دارند توسط مردم و فعالین اجتماعی و نزدیکان آنها و ایجاد همدلی و کمک



## نه به اعدام؛ زهرا صدیقی همدانی و الهام چوبدار را فوراً آزاد کنید!

تنها چند روز پس از سخنان همجنسگرا ستیزانه رئیس جمهور منفور جمهوری اسلامی، ابراهیم رئیسی، خبر اعدام زهرا صدیقی همدانی و الهام چوبدار، دو فعال حقوق رنگین کمانیها اعلام شد. زهرا صدیقی همدانی (ساره)، ۳۱ ساله و الهام چوبدار، ۲۴ ساله، به اتهام واهی و ضدانسانی «افساد فی الارض از طریق ترویج همجنسگرایی» به اعدام محکوم شده و قوه قضاییه جمهوری اسلامی هم ضمن تأیید این خبر، مقدمات برای سناریوسازی برای

کشتن آنها این چنین فراهم کرده است: «اتهامات این افراد فریب و قاچاق زنان و دختران جوان به یکی از کشورهای منطقه با امید و آموزش، وعده اشتغال و سوء استفاده از آنها بوده که در مواردی، منجر به خودکشی چندین نفر از این دختران شده است.»

شرم بر حکومت اسلامی که در روز روشن و در برابر انظار عمومی برای این دو فعال سناریو می چیند تا برای طناب دارشان، دنبال گردن باشند. اما ما مردم ایران، ما فعالین علیه اعدام

و ما رنگین کمانیها و فعالین دفاع از حقوق ال جی بی تی ها اجازه نخواهیم داد و در برابر این تعرض آشکار جمهوری اسلامی به انسانیت قاطعانه خواهیم ایستاد.

"رنگین کمانان ایرانی" ضمن مخالفت قاطع خود با این اتهامات واهی و مخالفت صریح با مجازات اعدام این قتل عمد دولتی، خواهان لغو فوری این حکم و آزادی بی قید و شرط این شهروندان است. ما از همه افراد آزادیخواه و برابری طلب و فعالان و مبارزان جنبش زنان، کارگری، دانشجویی و حمایت از حقوق همجنسگرایان و رنگین کمانیها، میخواهیم که با صدایی رسا، قدرتمند و هماهنگ به این حکم ضد



بشری اعتراض کرده و خواهان لغو حکم اعدام و آزادی زهرا صدیقی همدانی و الهام چوبدار شویم.

چنگال حکومت را محقق کنیم.

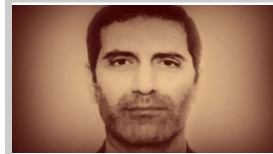
ننگ بر حکومت اعدام نابود باد جمهوری اسلامی

رنگین کمانان ایرانی

۱۴ شهریور ۱۴۰۱

۵ سپتامبر ۲۰۲۲

حکومت سراپا هموفوب جمهوری اسلامی عزیزان ما را به گروگان گرفته و ما باید با اعتراضی قدرتمند و سراسری رهایی فوری آنها از



خواستار تشکیل کمیسیون مستقل جهت تحقیقات کیفری علیه رئیسی و جنایات جمهوری اسلامی شد. در آستانه سفر رئیسی به اجلاس سازمان ملل با نوشتن نامه های اعتراضی، برگزاری پیکت و تجمعات اعتراضی علیه سفر رئیسی از مراجع بین المللی خواستار عدم صدور ویزا و اخراج رئیسی و نمایندگان جمهوری اسلامی از سازمان ملل شویم.

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی ۱۹ شهریور ۱۴۰۱ / ۱۰ سپتامبر ۲۰۲۲

و کمیته بین المللی علیه اعدام نامه مستندی به نخست وزیر و دولت بلژیک و دولت های اروپائی نوشتند و رونوشت آن به مراجع بین المللی در مخالفت و با خواست رای ندادن به این لایحه فرستادند. این نامه به سفارت های دولت بلژیک در کشورهای مختلف تحویل داده شد. سهیلا دالوند عضو هیئت مدیره کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی، این نامه را در کانادا شخصا تحویل سفیر اتاوا داده بود.

از این اقدام بین المللی جهت برسمیت نشمردن مصونیت دولت ایران و مقامات آن بدلیل آنچه که آنرا جنایات بین المللی نامیدند، باید استقبال کرد. باید

این امر، گسترش تروریسم ایران در خاک اتحادیه اروپا را تشویق می کند و به مقام های ایرانی اطمینان می دهد که می توانند از مسئولیت جنایات بزرگ بین المللی فرار کنند. بلژیک در این زمینه مسئولیت سنگینی خواهد داشت.»

این نامه سرگشاده که روز چهارشنبه ۱۶ شهریور ارسال شده توسط ۶۸ مقام متخصص از جمله قضات فعلی و سابق اتحادیه اروپا و همچنین چندین سازمان بین المللی حقوق بشر امضا شده است.

پیشتر در ارتباط با تصویب لایحه استرداد اسدی، سه نهاد بین المللی کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی، کمپین برای آزادی کارگران زندانی

## جامعه بین الملل مقابل حکومت ترور و کشتار میایستد! جمهوری اسلامی را باید بایکوت سیاسی، فرهنگی، ورزشی و هنری کرد!

دهها کشور کارشناس برجسته بلژیکی و بین المللی در زمینه حقوق بشر، عدالت کیفری و حقوقی بین الملل با ارسال نامه سرگشاده ای با امضای ۲۵ کشور اروپائی و غیر اروپائی، ۱۸ مقام ارشد پیشین سازمان ملل و چهار گزارشگر ویژه سابق سازمان ملل، به الکساندر دو کرو نخست وزیر بلژیک، از دولت وی خواستند که اسدالله اسدی را آزاد نکنند. در

بخشهایی از این نامه آمده: "اجازه دادن به اسدی برای گذراندن باقی مانده دوران محکومیت ۲۰ ساله خود در ایران، کشوری که مسئول بمب گذاری تروریستی بود، حاکمیت قانون را به سخره می گیرد و موجب مصونیت بیشتر برای دولت ایران و مقامات آن می شود که در تروریسم و جنایات علیه بشریت دست دارند.

## لیست کمک مالی به کمیته کردستان

۵۰ دلار  
۵۰ دلار  
۵۰ یورو  
۵۰ یورو

صادق احمدی  
هاشم قربانی  
عبدل گلپریان  
سیما بهاری



۱۴۵ دلار  
۱۰۰ دلار  
۱۰۰ دلار  
۱۰۰ دلار  
۱۰۰ پوند

کیو مرث کرمانشاه  
مجید آذری  
علادین فرهاد پور  
شجاع تگزاس  
شیرزاد چوپانی

مقابله جدی با رژیم تروریست جمهوری اسلامی جلب میکنیم. جمهوری اسلامی باید از همه مجامع و نهادهای بین المللی طرد شود و تمامی سفارتخانه های آن بعنوان مراکز تروریستی بسته شود.

سرنگون باد جمهوری اسلامی!

حزب کارگری ایران  
۲۴ شهریور ۱۴۰۱، ۱۵ سپتامبر ۲۰۲۲

است و بس. فعالیت های گسترده حزب و گسترش نفوذ و محبوبیت کانال جدید بی تردید خاری در چشم جمهوری اسلامی است. حزب این تهدیدات را از سر استیصال و زخم خوردگی رژیم میداند، آنرا جدی میگیرد و اقدامات لازم را در دستور قرار میدهد. بهترین جواب به این تهدیدات طبعاً گسترش فعالیت های حزب در داخل و خارج علیه جمهوری اسلامی است.

ما بار دیگر توجه افکار عمومی جهان را به ضرورت

تلفنی، مینا احدی که در مرکز این تهدیدات بوده است بلافاصله با پلیس آلمان تماس گرفته و آنها را در جریان این تهدیدات تروریستی قرار داده است. پلیس آلمان این تهدیدات را بسیار جدی قلمداد کرده است و اقدامات فوری و موثرتری در محافظت از وی بعمل آورده است. مسئولین حزب در سوئد نیز در تماس با پلیس این کشور قرار دارند تا اطلاعات مربوط به این تهدید ها را در اختیار پلیس سوئد قرار دهند.

جمهوری اسلامی رژیم ترور و ارباب و اعدام

## اطلاعیه خبری در باره تهدید به مرگ و بمب گذاری علیه رهبری حزب کمونیست کارگری و تلویزیون کانال جدید!

کمونیسست کارگری را ترور کنند. در این تلفن ها از بمب گذاری قریب الوقوع در جلسه مینا احدی و همچنین خطری که تلویزیون کانال جدید و کارکنان آنرا تهدید میکنند، صحبت شده است. بدنبال این تماس های

در دو روز گذشته افراد ناشناسی در چند مورد طی تماس تلفنی با فعالین حزب اطلاع داده اند که جمهوری اسلامی از طریق برنامه ریزی های سیاه قدس قصد دارد که مینا احدی، حمید تقوایی و کیان آذر، از رهبران حزب

## اطلاعیه

### تجمعات و بیانیه های علیه اعدام را باید گسترش داد

۲۰ شهریور



بستگانمان را که قربانی شرایط حاکم بر جامعه اند به قتل نرسانید. لازم به توضیح است که آدمکشان دزد حاکم تعداد زیادی را در روزهای اخیر اعدام کرده و برای تعداد بیشتری از جمله دو فعال همجنسگرا بنام زهرا صدیقی همدانی و الهام چوبدار حکم اعدام صادر کرده اند.

لغو مجازات اعدام به خواست غالب در میان مردم تبدیل شده و تجمعات و بیانیه های مختلف علیه اعدام گوشه ای از یک جنبش بسیار وسیع در ایران است. تجمعات پیگیر خانواده های محکوم به اعدام اقدامی مهم در تقویت این جنبش و در تداوم مقابله مردم با حربه اعدام است. نفس حمله رژیم به تجمع

امروز یکشنبه ۲۰ شهریور پنجمین روز تجمع خانواده های محکومین به اعدام است که با فریاد خروشان «اعدام نکنید» و با پلاکاردهایی علیه اعدام در مقابل دفتر قوه قضائیه در تهران و کرج خواهان لغو احکام اعدام بستگان خود شدند. شرکت کنندگان در این تجمعات که از روز ۱۵ شهریور شروع شده بود، هر روز بیشتر و سازمانیافته تر میشدند و سرکوبگران جمهوری اسلامی برای جلوگیری از پیوستن گسترده تر مردم به این تجمعات روز ۲۰ شهریور به تجمع حمله کردند و بیش از بیست نفر را بازداشت کردند که هنوز تعدادی از آنان در زندان میباشند. جرمشان این است که میگویند



علیه باید ملغی گردد. دستگیر شدگان روز ۲۰ شهریور باید فوراً آزاد شوند. اعتراض به احکام اعدام حق خانواده های محکومین به اعدام و حق همه مردم است.

حزب کمونیست کارگری دست همه فعالین علیه اعدام و فعالین همه تشکل های مردمی مخالف اعدام را به گرمی میفشارد، قاطعانه از تلاش های آنها حمایت میکند و مردم آزاده را به پیوستن به این تشکل ها و ایجاد تشکل های مشابه فرامیخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۲۰ شهریور ۱۴۰۱، ۱۱ سپتامبر ۲۰۲۲

علیه اعدام است. حربه اعدام را باید از حکومت گرفت. جمهوری اسلامی از یکطرف قربانیان شرایط اسفباری که خود به جامعه تحمیل کرده است را به قتل میرساند و از طرف دیگر از اعدام بعنوان حربه ای برای قدرتمانی حکومت مستاصل خود و برای ارباب فعالین جنبش های مختلف، فعالین جنبش دفاع از حقوق زنان، جنبش بیحجابی، رنگین کمانی ها و ارباب مردم معترض استفاده میکند. باید توده هر چه وسیعتری از مردم را علیه اعدام بعنوان یک رکن مهم مبارزه به میدان آورد.

مجازات اعدام یعنی قتل عامدانه دولتی باید لغو شود و کلیه احکام

مردم در روز ۲۰ شهریور و دستگیری تعدادی زیادی از شرکت کنندگان در این تجمع بخوبی اهمیت چنین تجمعاتی را نشان میدهد. باید این تجمعات را شهر به شهر گسترش داد. خانواده های محکومین به اعدام و فعالین علیه اعدام و دهها تشکل و نهاد مردمی که علیه اعدام و در دفاع از این تجمعات بیانیه دادند، نقش مهمی در دامن زدن به این جنبش و شکل دادن به تجمعات مشابه دارند. سازمان دادن طومارهای سراسری یا شهری با خواست لغو مجازات اعدام و لغو کلیه احکام ضد انسانی اعدام شکل دیگری از گفتمان سازی و تقویت جنبش علیه اعدام و تجمعات





**در اعتراض به مرگ شلیتر رسولی  
مردم قهرمان مریوان و سنندج به میدان آمدند**

مرگ دلخراش شلیتر رسولی در مریوان هنگام فرار از تجاوز توسط یکی از اراذل و اوباشی که در پناه ارگنهای حکومت حاشیه امن دارند و دستشان برای هر جنایتی باز است، موجی از اعتراض ایجاد کرد. جمعیت کثیری از مردم مریوان در روز مرگ او به خیابان آمدند و مراسم تشییع جنازه او را به یک راهپیمایی سیاسی اعتراضی تبدیل کردند.

انجمن صنفی معلمان مریوان در بیانیه ای اعلام کرد که «تراژدی قتل شلیتر در متن یک ساختار بیمار و ویرانگر اتفاق افتاد، و هر تلاشی برای التیام این درد تا زمانی که این سازوکارهای سرمایه‌دارانه و نرینه‌محوری همدست و هم پیمان آن را نشانه نگیرد، هیچ راه برون رفتی

روز بعد از آن تعدادی از زنان و مردان آزاده سنندج دست به تجمع زدند و با پلاکاردهایی که در دست داشتند و بیانیه ای که قرائت کردند، انگشت اتهام را بطرف قوانین ضد زن و زن ستیزی حکومت گرفتند و به ریشه های این

پیدا نخواهد شد. در این بیانیه به دولتی اشاره شده که «به شکل سیستماتیک فقر، نابرابری، تبعیض و زن ستیزی را ترویج می‌کند و با نهادهای قانونی و آموزشی و تبلیغاتی‌اش این نابرابری‌ها را روزانه مهر و امضا می‌کند. تمام سازوکارهای حقوقی، قانونی به گونه‌ای طراحی شده‌اند که زن‌کشی را فعالانه ترویج می‌کنند و هنجارهای اجتماعی حاکم بر بخشی از جامعه در قالب ناموس پرستی و پاکدامنی دقیقاً امتداد این سازوکارهای حقوقی و سیاسی نرم‌محور و زن ستیز هستند.»

هشت نهاد مردمی مریوان نیز در بیانیه ای به اراذل و اوباشی اشاره کردند که «در پناه حاشیه امنیتی و انواع وابستگی‌هایشان، جسارت تعرض به جنگل‌ها، محیط زیست و منابع طبیعی را داشته‌اند، همچنین تعدادی از آنها به تجمعات قانونی معلمان در سال جاری در دفاع از حقوق خود وحشیانه تعرض نمودند و در اغلب موارد آنها در پناه قوانین ضعیف و ناکارآمد و انواع وابستگی‌ها، همچنان به

جنایات خود ادامه داده و هر از چندگاهی از مریوان و مردم مبارز ان قربانی می‌گیرند. نباید فراموش کرد که دلیل اصلی و بنیادین قتل شلیتر ساختارهای ویرانگر سیاسی-اقتصادی هستند که نرینه‌محوری، مردسالاری، لات و لمپن‌پروری از اجزای ارگنیک آن هستند، ساختارهایی که فقر و تباهی و ویرانی را تولید و بازتولید می‌کنند و سرکوب، به حاشیه‌راندن، بی‌قدرت سازی و ناتوان سازی زنان از سازوکارهای اساسی آن است برای نگهداشتن نظم حاکم، نظمی که از بیخ و بنیاد غیرعادلانه، غیراخلاقی و ویرانگر است.» در این بیانیه‌ها از مردم و تشکل‌های حق طلب و آزادیخواه خواسته شده است که به وجود تبعیض علیه زنان و ناامنی جامعه برای آنان از تمام ظرفیت‌ها استفاده کنند.

این بیانیه‌ها، این تجمعات و خشمی که در پس همه اینها وجود دارد، بیانگر جامعه ای بپاخاسته، روشن و مصمم است که با سرکوب و بکیر و ببند نمیتوان جلوی‌ش را گرفت. جامعه ای که فرهنگ و رسوم ارتجاعی

اسلامی را عقب رانده و قبطی قدرتمند در مقابل حکومت و مقدسات ضد انسانی‌اش شکل داده است.

حزب کمونیست کارگری به مردم آزاده مریوان و سنندج و همه تشکل‌ها و فعالینی که در شکل دادن به این فضا نقش ایفا کرده‌اند درود می‌فرستد و دست همه کسانی را که برای تحقق آزادی زن و رهایی جامعه از شر بختک اسلامی سرمایه با همه لمپنیسم و مردسالاری و ارتجاع آن مبارزه میکنند می‌فشارد. حزب کمونیست کارگری چون همیشه با تمام امکانات خود همراه و همگام مردم مریوان و سنندج است و از مردم همه شهرهای کردستان و همچنین سراسر ایران دعوت میکند تا بهر شکل که میتوانند در رابطه با مرگ شلیتر رسولی به جمهوری اسلامی و قوانین ضد زن آن اعتراض کنند و از مبارزات مردم سنندج و مریوان حمایت کنند.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۲۰ شهریور ۱۴۰۱،  
۱۱ سپتامبر ۲۰۲۲

ایجاد محدودیت جدید حمل و نقلی برای این دانش‌آموزان مقابل آموزش و پرورش تجمع کرده و خواستار رفع مشکلات و پاسخگویی در چند روز آینده شدند. آنها اعلام کردند که اگر جواب نگیرند دوباره تجمع خواهند کرد.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۲۰ شهریور ۱۴۰۱،  
۱۱ سپتامبر ۲۰۲۲

اشاره کنیم که بازنشستگان تامین اجتماعی بدنال اعتراضات گسترده، موفق به اجرایی شدن این مصوبه و پرداخت آن از شهریور شدند و اکنون بازنشستگان فولاد نیز بر اجرایی شدن آن تاکید دارند. بعلاوه افزایش حقوقها به بالای خط فقر، درمان و تحصیل رایگان و داشتن حق مسکن از دیگر مطالبات اعلام شده همه بازنشستگان در سطح کشور است.

- روز ۲۰ شهریور جمعی از معلمان و خانواده‌های دانش‌آموزان استثنایی در اعتراض به

اصفهان، بافق و تهران با خواست اجرایی شدن افزایش سالیانه (حدافل) ۳۸ درصد بعلاوه ۵۱۵ هزار تومان) و پرداخت معوقات ۱۸ ماهه همسان سازی از سال ۹۹ مقابل صندوق بازنشستگی در این شهرها دست به تجمع زدند. در اصفهان بازنشستگان با شعار " تا حق خود نگیریم، از پا نمی‌نشیم" بر مطالبات خود تاکید داشتند. این بازنشستگان بطور مستمر یکشنبه‌های هر هفته برای پیگیری و رساندن صدای خود در دستپایی به مطالباتشان به خیابان آمده‌اند. تجمعات قبلی آنها در سیزدهم شهریور برپا شد.

## اعتصاب و اعتراض کارگران پتروشیمی دنا و پتروشیمی راک اسلام آباد و بازنشستگان فولاد

مخزن و پایپ راک پتروشیمی اسلام آباد غرب که با بیمانکاری قیطاسی کار میکنند در اعتراض به تعویق پرداخت حقوق‌های تیر و مرداد خود دست از کار کشیدند.

- ساعت ده صبح روز ۲۰ شهریور بازنشستگان فولاد در شهرهای

- روز ۲۰ شهریور کارگران شاغل در پتروشیمی دنا فاز دو منطقه پتروشیمی عسلویه در اعتراض به عدم دریافت حقوق ماههای تیر و مرداد دست به اعتصاب زدند.

- روز ۲۰ شهریور کارگران بخش ساخت

## اطلاعیه

## بیانیه ۳۷ نهاد و تشکل کارگری و بازنشستگان و فعالین اجتماعی علیه اعدام

حمایت از اعتراضات خانواده ها علیه اعدام



روز شنبه ۱۹ شهریور و در حالیکه حرکت خانواده ها علیه اعدام جریان دارد، شماری از تشکلهای کارگری و بازنشستگان و فعالین اجتماعی در بیانیه ای حمایت خود را از جنبش علیه اعدام و حرکت خانواده ها اعلام کردند. اشاره کنیم که خانواده های زندانیانی که حکم اعدام گرفته اند برای چهارمین روز متوالی با شعار اعدام نکنید در کرج و تهران دست به تجمع زدند. در این تجمع یکی از جوانان شرکت کننده که پدرش توسط جمهوری اسلامی اعدام شده در سخنرانی تکاندهنده ای در برابر قوه قضائیه فریاد زد و گفت: "ما قربانی "نداری" هستیم. با اعدام مواد مخدر تمام نمیشود... من این درد را با گوشت و پوست و استخوان چشیده‌ام. دلم نمی‌خواد هموطنانم اعدام بشن، ما نمی‌خوایم هیچکی اعدام بشه، اعدام حق فرزندان این سرزمین نیست.. من کشته شدم، شخصیت من کشته شد، منم با پدرم مُردم و زیر خاک رفتم، غرور و اعتبارم هر روز زیر سوال رفت..."

اولین روز تجمعات خانواده های اعدامیان پانزدهم شهریور بود و در همان روز ۱۰ نفر در زندان‌های کرج و میناب به دار آویخته شدند. طبق اخبار انتشار یافته طی روزهای گذشته نیز شمار زیادی از زندانیان در زندان‌های گوهردشت، قزلحصار و میناب جهت اجرای حکم اعدام به سلول‌های انفرادی منتقل شده‌اند. بعلاوه تعداد بسیار زیادی نیز به اعدام محکوم شده اند که در این لیست اسامی دو نفر از فعالین کوپیر (LGBTQI+) به نام‌های زهرا صدیقی همدانی و الهام چوبدار قرار دارد.

حرکت خانواده ها و تشکلهای کارگری و اجتماعی بخشی از جنبش وسیع علیه اعدام و آدم کشی جمهوری اسلامی است. این جنبش مدتهاست که قدرتمند سربلند کرده است و در میان مردم وسیعاً ریشه دارد. حزب کمونیست کارگری قاطعانه با مجازات اعدام این قتل و آدم کشی شنیع دولتی مخالف است و در حمایت از جنبش

ضد اعدام بر اتحاد و همبستگی همه مردم علیه سرکوبگری های حکومت و مجازات ضد انسانی اعدام تاکید دارد. اعدام ابزار حاکمین برای سرکوب و کنترل کل جامعه است و باید در همه جا ملغا شود. متن بیانیه جمعی نهادهای تشکلهای کارگری و بازنشستگان و فعالین اجتماعی ضمیمه است.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۹ شهریور ۱۴۰۱، ۱۰  
سپتامبر ۲۰۲۲

متن کامل بیانیه:  
بیانیه عمومی در حمایت از تجمع اعتراضی خانواده‌های زندانیان محکوم به اعدام دست از کشتار زندانیان بردارید

روز ۱۵ شهریور ۱۴۰۱ جمعیتی از خانواده‌های زندانیان محکوم به اعدام، مقابل دادگستری و دادگاه عمومی و انقلاب کرج تجمع کردند و روزهای بعد نیز تا امروز به تجمعات خود مقابل قوه قضائیه در تهران با خواست #اعدام\_نکنید، ادامه داده و خواهان توقف اعدام زندانیان هستند.

این تجمعات در حالی شروع شدند که در روز ۱۵ شهریور، اولین روز از برپایی تجمعات، ۱۰ نفر در زندان‌های کرج و میناب به دار آویخته شدند و طبق اخبار انتشار یافته طی روزهای گذشته حداقل ۱۸ نفر دیگر در زندان‌های گوهردشت، قزلحصار و میناب جهت اجرای حکم اعدام به سلول‌های انفرادی منتقل شده‌اند.

علاوه بر این، هم‌اکنون تعداد بسیار زیادی که آمار دقیق آن در دست نیست، محکوم به اعدام و در انتظار اجرای حکم هستند که دو نفر از فعالین کوپیر (LGBTQI+) به نام‌های زهرا صدیقی همدانی و الهام چوبدار نیز در زمره آنها هستند.

در مدت چهل و سه سال گذشته، اعدام و قتل

زندانیان به اتهامات و بهانه‌های مختلف، سیاسی و عادی مرتبط با مواد مخدر، قتل، سرقت مسلحانه و غیره به یک نُرم و روش حکومت‌داری تبدیل شده است.

آمار اعدام (قتل عمد) زندانیان طی این دوره چهل و سه ساله، حتی یکبار هم به صورت رسمی و دقیق منتشر نشده. اما با پیگیری مراجع حقوق بشری و ... آمار ده‌ها هزار نفری اعدام قطعی است. اعدام در ایران هیچ بخشی از جامعه را در امان نگذاشته و از کودک تا کهن‌سال و زن و مرد به هر بهانه و اتهامی از سیاسی گرفته تا همجنسگرا و عادی و ... را شامل می‌شود.

نگاهی به گزارش‌های منتشر شده در رابطه با اعدام‌های اخیر، واقعیت وحشتناک قتل عام روزانه را به وضوح ثابت خواهد کرد. در مدت ۵ ماه، از اواخر دی ۱۴۰۰ تا خرداد ۱۴۰۱ تعداد ۱۶۸ نفر ثبت شده؛ یعنی در هر یک روز و ۳ ساعت یک نفر اعدام شده است.

روند افزایشی تعداد اعدامیان و صدور احکام اعدام در مدت یک سال گذشته، حکایت از عزم و سیاست جدی دستگاه قضایی برای پوشش گذاشتن بر فساد و چپاول‌های سازمان‌یافته صدها هزار میلیارد تومانی در ارگان‌ها و نهادهای حکومتی است که با گرفتن ژست مبارزه با دزدی، قاچاق مواد مخدر و ناامنی اجتماعی می‌خواهد تمرکز و فشار افکار عمومی را بر دزدی‌های خودی‌ها کم رنگ کند و کاهش دهد.

علاوه بر زندانیان سیاسی، عقیدتی و جرم‌انگاری‌های مرتبط به گرایش‌های جنسی و جنسیت افراد که عملاً هیچ جرمی را مرتکب نشده‌اند و تنها دلیل اعدام آنان این بوده که به مذاق حاکمان خوش نیامده‌اند.

اما درباره محکومین جرائم عادی نیز باید گفت

که این افراد نیز خود قربانیان شرایط و اوضاع اقتصادی و اجتماعی‌ای هستند که دزدان و چپاولگران در سیستم حاکم بر جامعه، برای بیش از ۸۰ میلیون انسان ایجاد کرده‌اند.

به جای اعدام و به قتل رساندن قربانیان شرایط موجود و پاک کردن صورت مسئله، باید بانیان دزد و غارتگر را معرفی و زندانی کرد تا ریشه هرگونه بزهکاری و ناهنجاری اجتماعی خشکانده شود.

امضاء کنندگان این بیانیه ضمن حمایت قاطعانه از تجمع خانواده‌های زندانیان محکوم به اعدام، خواهان توقف فوری اعدام زندانیان و لغو احکام اعدام به هر اتهام و بهانه‌ای هستند.

امضاء  
۱- اتحاد بازنشستگان ایران  
۲- انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه  
۳- تشکل دانشجویان پیشرو دانشگاه اصفهان  
۴- سندیکا نقاشان البرز  
۵- شورای بازنشستگان ایران  
۶- گروه اتحاد بازنشستگان ایران  
۷- گروه بازنشستگان مستقل ایران  
۸- گروهی از معلمان و بازنشستگان کانون‌های صنفی ایران  
۹- ندای زنان ایران  
۱۰- گروهی از فارغ‌التحصیلان بیکار دانشگاه رازی کرمانشاه  
۱۱- گروهی از مهندسان و کاسبان فروش نرم‌افزار پاساژ میرداماد کرمانشاه  
۱۲- گروهی از ورزشکاران رزمی کار کرمانشاه  
۱۳- گروهی رانندگان تاکسی شهرک ظفر کرمانشاه  
۱۴- گروهی از کارگران برق کار ساختمانی سقز  
۱۵- گروهی از کارگران نقاش ساختمانی سقز  
۱۶- گروهی از کارگران لوله کشی ساختمانی سقز  
۱۷- گروهی از زنان خانه‌دار سقز  
۱۸- گروهی از جوانان بیکار محله بهارستان سقز  
۱۹- گروهی از جوانان بیکار محله تپه شافعی سقز  
۲۰- گروهی از جوانان بیکار  
ادامه در صفحه ۱۷



سنندج ۳۷-گروهی از کارگران مرغداری های مریوان (۱۹ شهریور ۱۴۰۱)	علوم پزشکی اصفهان ۳۳- گروهی از زنان خانه دار سنندج ۳۴-گروهی از کارگران ساختمانی خیابان ۲۵ شهریور سنندج ۳۵- گروهی از دستفروشان خیابان شهدا سنندج ۳۶- گروهی از فعالین کارگری	۲۸-گروهی از مردم شهرک دانشگاه سقز ۲۹-گروهی از کارگران شاغل شهرک صنعتی سقز ۳۰-گروهی از بازنشستگان شهر امل ۳۱-گروهی از فعالین لغو کار کودکان تهران ۳۲- گروه هایی از دانشجویان	خدمات درمانی سقز ۲۴- گروهی از مردم محله بهارستان سقز ۲۵-گروهی از مردم محله شریف آباد سقز ۲۶-گروهی از مردم محله نشمیلان سقز ۲۷-گروهی از مردم محله سعدی سقز	ادامه از صفحه ۱۶ محله کریم آباد ۲۱- گروهی از جوانان بیکار محله تپه مالان سقز ۲۲- گروهی از بازنشستگان تامین اجتماعی سقز به همراه خانواده هایشان ۲۳-گروهی از بازنشستگان
---	--	---	---	--

تعرض حکومت اسلامی به کارگران معترض شرکت آذراب و صدر احکام زندان و شلاق و جریمه برای آنان را شدیداً محکوم میکند و خواهان لغو این احکام و عملی شدن خواسته های کارگران برای افزایش دستمزدها و امنیت شغلی است. ما از همه نهادهای کارگری در ایران و در سطح جهان میخواهیم که به جریمه کردن و محکوم کردن کارگران آذر آب وسیعاً اعتراض کنند. با اتحاد همه بخشهای جامعه علیه سرکوب میتوانیم و باید پاسخ این تعرضات حکومت را بدهیم.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی  
22 شهریور 1401  
Shahla.daneshfar@gmail.com  
https://free-them-now.com/

تامین معیشت و پیگیری حق و حقوق پایمال شده شان با احکام حبس و شلاق و جرائم نقدی از طرف حکومت مواجه میشود. کارگر برای پی پولی اعتراض میکند اما به جزای نقدی محکوم میشود. ای کسانیکه در سازمان جهانی کار نشستہ اید و نمایندگان



حکومت را بعنوان نماینده کارگران پذیرفته اید! کارگران ایران میدانند که چشمتان را بر این واقعیت هائی که کمتر در جهان اتفاق میافتد بسته اید." کمپین برای آزادی کارگران زندانی (FTN)

زندان و جریمه و شلاق علیه کارگران معترض هستند.

شورای بازنشستگان ایران طی اطلاعیه ای در گزارش مربوط به این خبر اعتراض خود را به پرونده سازی های این چنینی و احکام صادره برای کارگران

معترض آذر آب اعلام داشته است که در بخشی از آن چنین آمده است: "این حکم به علت اعتراضات خردادماه کارگران شرکت آذراب صادر و ابلاغ شده بود. اعتراض کارگران برای

## ۱۷ نفر از کارگران شرکت آذراب به پرداخت جریمه نقدی محکوم شدند!

تبدیل گردید و بعلاوه گفته شده است که کارگران حق شکایت به دادگاه تجدید نظر را دارند.

روشن است که حکومت اسلامی زیر فشار اعتراضات در جامعه از شلاق و زندان به جریمه نقدی عقب نشسته است. اما این تمام مساله نیست. سوال اینست که چرا کارگر معترض باید حکم زندان و شلاق و جریمه بگیرد؟ کارگرانی که به دلیل دستمزدهای زیر خط فقر و نا امنی شغلی اعتراض کرده اند، روشن است که به پرداخت جریمه نقدی چند میلیونی اعتراض دارند و کلاً این محکومیتها و احکام ضد انسانی را محکوم میکنند و خواهان لغو تمامی احکام

روز ۲۲ شهریور سخنگوی قوه قضائیه حکومت اسلامی از تبدیل محکومیت هفده کارگر معترض آذر آب در اراک به جریمه نقدی خبر داد. این کارگران بخاطر اعتراضات و پیگیری مطالباتشان به ۳ ماه و یک روز حبس و ۳۰ ضربه شلاق محکوم شده بودند. در برابر این حکم جنایتکارانه موجی از اعتراض در جامعه به جریان افتاد. زیر فشار این اعتراضات حبس ۹۱ روزه هر کدام از این کارگران به پرداخت ۷ میلیون تومان جزای نقدی و حکم شلاق آنان به پرداخت سی میلیون ریال جریمه، آنهم بصورت تعلیقی یکساله



ابراهیم رئیسی باید بجرم جنایت علیه بشریت و دستور قتل عام زندانیان سیاسی دستگیر و در دادگاه بین المللی محاکمه شود.  
در اعتراض به جنایت های او تجمعی اعتراضی در مرکز شهر فرانکفورت برگزار می شود.

از همه شما دعوت می کنیم که در این تجمع شرکت کنید!

چهارشنبه ۲۱ سپتامبر

از ساعت ۱۷:۰۰

# فرانکفورت

مکان: مرکز شهر فرانکفورت Frankfurt, Zeil 106 vor dem MyZeil

علیه حضور رئیسی در اجلاس عمومی سازمان ملل به خیابان می آیم!

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی  
کمیته بین المللی علیه اعدام  
کمپین برای آزادی کارگران زندانی



## آخرین اخبار از معلمان و کارگران زندانی

با گسترده تر شدن دامنه اعتراضات معلمان در سال گذشته و کشیدن دامنه آن به ۲۰۰ شهر جمهوری اسلامی به سرکوبگری هایش در قبال مبارزات آنها شدت داد. همانطور که قبلاً نیز گزارش کرده ایم از اردیبهشت سال جاری تا کنون ۲۴۰ معلم بازداشت شده اند که زیر فشار اعتراضات گسترده معلمان و کارزار قدرتمند برای آزادی معلمان زندانی، شمار بسیاری از آنان بعداً آزاد شدند. معلمان خواستار آزادی بدون قید و شرط تمامی همکاران زندانی و بسته شدن پرونده های امنیتی تشکیل شده برای آنها و تمامی زندانیان سیاسی هستند. یک مطالبه فوری معلمان پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات است. در حال حاضر دوازده نفر از معلمان به اسامی زیر در زندانند: رسول بداتی، اسماعیل عبدی، محمد حبیبی، جعفر ابراهیمی، ناهید شیرپیشه، ناهید فتحعلیان، زینب همزنگ، معصومه عسگری، مهدی فتحی، هاشم خواستار، جواد لعل محمدی و محمد حسین سپهری.

هم اکنون ۵ ماه از بازداشت جعفر ابراهیمی و محمد حبیبی میگذرد. جعفر ابراهیمی با وجود ابتلا به بیماری صعب العلاج دستگاه گوارش و تشدید آن در زندان، همچنان بدون رسیدگی پزشکی در حبس است و بازداشت محمد حبیبی همراه تمدید می گردد. تمامی معلمان زندانی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

۲۳ شهریور ۱۴۰۱

ادامه بازداشت ۶ نفر از دستگیر شدگان سناریو سازی علیه فعالین معلم،

## کارگری و اجتماعی

همانطور که در جریان هستی بدنبا ل دستگیری ژاک پاری و سپس کولر دو فعال کارگری فرانسوی و دستگیری شماری از معلمان، فعالین کارگری و اجتماعی کارزاری گسترده علیه سناریو سازی های نفرت انگیز و نخ نمای حکومت به راه افتاد. در این پرونده سازی ۴ نفر از معلمان به اسامی رسول بداتی، اسکندر لطفی، شعبان محمدی و مسعود نیکخواه، و از فعالین کارگری رضا شهبانی، حسن سعیدی، واله زمانی، و از فعالین اجتماعی آنبشا اسداللهی، ریحانه انصاری نژاد و کیوان مهدی بازداشت شدند. ایستادگی این دستگیر شدگان در درون زندان و کارزار قدرتمند علیه سناریو سازی ها از سوی معلمان و فعالین کارگری پاسخ محکمی به این سناریو سازی ها و شکستی برای حکومت است. از این بازداشت شدگان رسول بداتی، رضا شهبانی، حسن سعیدی و کیوان مهدی همراه با ژاک پاری و سپس کولر همچنان در زندان بسر میبرند.

روز ۲۳ شهریورماه خانواده های رضاشهبانی، حسن سعیدی و کیوان مهدی برای پیگیری وضعیت بلا تکلیف این فعالین و عدم قبول وثیقه برای آزادی آنها از سوی دادسرای زندان اوین به قرار شد هفته آینده چهارشنبه دادستان عمومی و انقلاب تهران دیداری با آنها دیدار داشته باشد.

بنا بر آخرین خبرها رسول بداتی پس از گذشت ۱۳۰ روز با تمدید چند باره قرار بازداشت امنیتی ۲۰۹ وزارت اطلاعات به قرنطینه بند ۴ زندان اوین منتقل شده است. رضا شهبانی عضو هیات مدیره سندیکای شرکت واحد نیز در هفدهم شهریور ماه بعد از گذشت بیش از سه ماه، از بند ۲۰۹ به بند

عمومی چهار زندان اوین منتقل گردید و وضع جسمانی او وخیم گزارش میشود.

حسن سعیدی یکی دیگر از دستگیر شدگان این پرونده سازی ها و از اعضای سندیکای واحد است که در ۲۸ اردیبهشت ماه بازداشت و بعد از گذشت بیش از سه ماه در بند ۲۰۹ زندان اوین با تکمیل پرونده و پایان بازجویی ها به بند عمومی ۴ این زندان منتقل گردید.

کیوان مهدی از فعالین اجتماعی است که در رابطه با همین پرونده در ۱۹ اردیبهشت بازداشت شد و بدنبال مدتی بازداشت در بند ۲۰۹ به بند ۴ زندان اوین منتقل شده است. رضا شهبانی، حسن سعیدی، رسول بداتی، کیوان مهدی و ژاک پارس و سپس کولر باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند. پرونده های امنیتی تشکیل شده برای آنان و تمامی زندانیان سیاسی باید بسته شود

با اتحاد علیه سرکوبگری بایستیم و با قدرت مبارزاتمان در زندانها را بگشاییم.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی  
Shahla.daneshfar2@gmail.com  
https://free-them-now.com

کارگر زندانی آزاد باید گردد

## و تعیین قرار وثیقه برای او احضار پروین محمدی برای اجرای حکم زندان

بنا بر گزارش منتشر شده از سوی اتحادیه آزاد کارگران ایران روز دوشنبه ۲۱ شهریور پروین محمدی فعال شناخته شده کارگری و عضو هیات مدیره این اتحادیه پس از احضارهای مکرر و صدور نیابت قضایی به دادسرای گرمسار جهت جلب وی، همراه با تعدادی از دوستان به شعبه اجرای احکام دادسرای اوین مراجعه نمود. مسئول شعبه با اعلام اینکه حکم صادره علیه وی غیابی بوده و باید به صورت حضوری توسط شعبه صادر کننده حکم ابلاغ گردد، وی را به شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب تهران منتقل کردند. پس از آن و به علت عدم حضور قاضی شعبه، به پروین محمدی اعلام شد که روز چهارشنبه ۲۴ شهریور مجدداً به آن شعبه مراجعه کند.

ساعت هشت و سی دقیقه صبح روز ۲۳ شهریور پروین محمدی به همراه وکیل خود در شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب تهران حاضر شد. اما پرونده ی



وی به دلیل عدم حضور قاضی به شعبه ی ۲۶ ارجاع و مجدداً مورد محاکمه قرار گرفت و تا



23 شهریور ۱۴۰۱، ۱۱ سپتامبر ۲۰۲۲  
#اتحاد\_علیه\_سرکوب  
#نه\_به\_سناریو\_سازی

زمان صدور رای با قرار کفالت ۲۰۰ میلیون تومانی موقتاً آزاد گردید.

پروین محمدی بنا بر پرونده ای در سال ۹۶ با اتهام "تبلیغ علیه نظام" و با مصادیق ایراد سخنرانی در جمع کارگران بازنشسته و انجام یک مصاحبه درباره حادثه پلاسکو که خود از این موضوع اطلاعی ندارد، یکسال حکم زندان دارد. بنا بر این حکم او در تاریخ ۲۹ آذر ۱۳۹۹، طی ابلاغیه ای از سوی شعبه ۱ اجرای احکام اوین در سامانه ثنای احضار شده بود که ظرف مدت ۵ روز خود را به آن شعبه معرفی نماید.

در بخشی از اطلاعیه اتحادیه آزاد کارگران ایران در رابطه با این موضوع چنین آمده است: "صدور حکم زندان به صورت غیابی و بدون اینکه هیچگونه اطلاعی مبنی بر وجود پرونده ی قضایی و اتهامات مطروحه به پروین محمدی اعلام شده باشد، و به دنبال آن ممنوع الخروجی و احضارهای مداوم و صدور حکم جلب برای او، از شاهکارهای جدید سیستم قضائی جمهوری اسلامی است که اثبات کننده ی کنترل تام نهادهای امنیتی بر آن است. اتحادیه آزاد کارگران ایران صدور حکم زندان و اقدام برای جلب پروین محمدی جهت تحمل این حکم ظالمانه را قویاً محکوم می کند و خواهان پایان دادن به این روند و منع تعقیب قضائی علیه اوست."

پرونده امنیتی تشکیل شده برای پروین محمدی باید فوراً مسدود و از ارفع اتهام شود. پرونده های امنیتی تشکیل شده برای تمامی زندانیان سیاسی باید بسته و تمامی آنها از زندان آزاد شوند.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

Shahla.daneshfar2@gmail.com  
https://free-them-now.com

۲۲ شهریور ۱۴۰۱



## حمله به خانواده های محکومین به اعدام را شدیداً محکوم می کنیم!

امروز یکشنبه ۲۰ شهریور ۱۴۰۱ تجمع اعتراضی خانواده های محکومین به اعدام در مقابل دفتر قوه قضائیه در تهران با خشونت نیروهای سرکوبگر رژیم روبرو شد. در اثر تهاجم نیروهای امنیتی رژیم تجمع اعتراضی خانواده ها نتوانست ادامه یابد و دستکم بیست نفر از اعضای خانواده ها دستگیر شدند. تجمعات این خانواده

ها در اعتراض به مجازات ضد انسانی اعدام و برای لغو احکام اعدام از روز ۱۵ شهریور ۱۴۰۱ شروع شد و در دو شهر کرج و تهران انجام گرفت. خانواده ها در روزهای اخیر با تجمع در مقابل دفتر قوه قضائیه رژیم در تهران با شعار "اعدام نکنید" خواستار لغو احکام اعدام و جلوگیری از اعدام عزیزانشان بوده اند. کمیته بین المللی علیه

اعدام اعدام ضمن حمایت قاطع از خانواده های محکومین به اعدام دستگیری و بازداشت شماری از این خانواده ها را شدیداً محکوم می کند و خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط دستگیرشدگان است. این اقدام سرکوبگرانه جمهوری اسلامی نشان دهنده نگرانی رژیم از فراگیر شدن هر چه بیشتر اعتراض علیه اعدام است. اخیراً شماری از تشکلهای کارگری و بازنشستگان و فعالین اجتماعی در بیانیه ای حمایت خود را از جنبش علیه اعدام و حرکت خانواده ها اعلام کردند. تشدید سرکوب و اعدام از سوی جمهوری اسلامی

نه تنها باعث عقب راندن اعتراضات مردم نشده است بلکه به عاملی برای اعتراضات بیشتر بمنظور پایان دادن به این وحشیگری ها و جنایات شده است. اعتراضات اخیر خانواده های محکومین به اعدام و حمایت نهادها و تشکلهای مردمی از این اعتراضات نشان می دهد که تنها راه مقابله با حربه سرکوب و اعدام اعتراض متحدانه است. کمیته بین المللی علیه اعدام همه مردم را به مبارزه متحدانه و سراسری علیه اعدام و سرکوب فرامی خواند.

کمیته بین المللی علیه اعدام

۲۰ شهریور ۱۴۰۱ -  
۱۱ سپتامبر ۲۰۲۲  
تجمع فیلم  
اعتراضی ۲۰ شهریور ۱۴۰۱  
https://www.youtube.com/watch?v=b0k9ACCF3nc  
#اعدام\_نکنید  
#اعدام\_قتل\_عمد\_دولتی\_است  
مینا احدی :  
00491775692413  
هرمز رها:  
0046737896505  
حسن صالحی:  
0046703171102

## اعتراض در سوئد علیه احکام اعدام دو فعال رنگین کمائی در ایران

بدنبال صدور حکم اعدام برای زهرا صدیقی همدانی، ساره، و الهام چوبدار دو فعال رنگین کمائی در ایران موجی از اعتراض علیه این احکام جنایتکارانه و رژیم اسلامی ایران در گوشه و کنار دنیا برافشاده است. در زیر می توانید بازتاب این خبر را در سوئد مشاهده کنید. این اخبار توسط سوسن صابری تهیه و به فارسی ترجمه شده است.

- سازمان مدافع حقوق ال جی بی تی های سوئد، RFSL بیانیه ای به این احکام اعدام اعتراض کرد:

"زهرا صدیقی همدانی و الهام چوبدار دو مدافع حقوق ال جی بی تی ها هستند که به اعدام محکوم شده اند. آنها به تشویق و ترغیب

همجنسگرایی" متهم شده اند. رابطه جنسی با جنس موافق هنوز در حدود ۷۰ کشور جهان ممنوع است. اما ایران یکی از ۱۱ کشور دنیاست که در آن افراد وابسته به جامعه ال جی بی تی حتی، تنها با اظهار نظر مثبت در این مورد، با مجازات مرگ روبرو هستند.

این واقعیتی است که ال جی بی تی های زیادی را مجبور به فرار از ایران میکند، و به همین دلیل ما میبایست از حق آنها برای تقاضای پناهندگی دفاع کنیم.

همه انسانها باید بتوانند آنطور که میخواهند زندگی کرده و نظرات خود را بیان کنند. سازمان RFSL خواستار لغو احکام اعدام و آزادی

این دو فعال حقوق ال جی بی تی ها است."  
- اخبار تلویزیون دولتی سوئد SVT: ۵ سپتامبر ۲۰۲۲

"دو مدافع حقوق ال جی بی تی ها در ایران به اعدام محکوم شدند. به گزارش سازمان حقوق بشری هنگا، دادگاهی در ایران دو فعال حقوق ال جی بی تی ها را به اعدام محکوم کرده است. این دو زن، زهرا صدیقی همدانی ۳۱ ساله و الهام چوبدار ۲۴ ساله، از طرف دادگاهی در ارومیه به "افساد فی الارض" محکوم شده اند. این حکم عمدتاً در مورد کسانی که قوانین شریعه حکومت اسلامی را زیر پا گذاشته اند بکار برده میشود.

به گزارش هنگا، این دو زن متهم به "ترغیب و تشویق همجنسگرایی" شده اند. اینها همچنین به ترغیب مسیحیت و ارتباط با رسانه های مخالف حکومت متهم شده اند. دادگاه در یک بیانیه کوتاه احکام اعدام این دو زن را تایید کرده است."

روزنامه پرتیراژ Svenska dagbladet "مدافعین حقوق ال جی بی تی ها به اعدام



محکوم میشوند. ایران دو فعال حقوق ال جی بی تی ها را بدلیل تبلیغ همجنسگرایی به اعدام محکوم کرده است. از زمان قدرت گیری اسلامی ها در ایران در سال ۱۹۷۹ تا بحال بطور تخمینی حدود ۴۰۰۰ تا ۶۰۰۰ همجنسگرا اعدام شده اند."

- سایت رنگین کمائیهای سوئد. ۶ سپتامبر ۲۰۲۲  
www.qs.se  
"سارا و الهام در ایران اعدام خواهند شد. طبق گزارش سازمان حقوق بشری هنگا، دو زن در

ایران به جرم "فساد از طریق همجنسگرایی" به اعدام محکوم شده اند."  
کمیته بین المللی علیه اعدام  
۲۰ شهریور ۱۴۰۱ -  
۱۱ سپتامبر ۲۰۲۲  
#اعدام\_نکنید  
#همجنسگرایی\_جرم\_نیست  
مینا احدی :  
00491775692413  
هرمز رها:  
0046737896505  
حسن صالحی:  
0046703171102





**سال تحصیلی جدید؛**  
**پیش به سوی گسترش اعتراضات در دانشگاهها**

تماس با ما در تلگرام و سیگنال 0046739681438

@javanan.komonist @javanankomonist @cyo.sjk @javanan.komonist

که فرجامی در چشم اندازش نیست گرفته تا خاورمیانه‌ای که روز به روز بیشتر زیر پای اسلام سیاسی را خالی و شعار «جمهوری اسلامی گم شو» را به مطالبه اصلی خود بدل می کند و دادگاههای بین المللی چون حمید نوری، اسداله اسدی و آبان تریونال که جنایات جمهوری اسلامی را بیش از پیش در سطح جهان رسوا و موقعیت‌اش را شکننده کرده است.

به علاوه، امسال در شرایطی به استقبال سال تحصیلی جدید می رویم که شاهد رسوایی و فساد گسترده در کنکور سراسری، ممنوعیت از

آورد. در ماههای گذشته این مردم ایران بوده‌اند که با اعتصابات و اعتراضات خود با حضور گسترده در خیابان ها علیه گرانی، تورم، حجاب اجباری، مافیای اقتصادی، وضعیت اسفبار معیشتی و ده ها مساله دیگر خیابانها را به تصاحب خود درآورده اند و جنبش های اعتراضی نظیر کارگران، معلمان، بازنشستگان، دادخواهی، زنان و غیره نیز بیش از پیش حکومت اسلامی را مورد تعرض قرار داده‌اند.

از سوی دیگر جمهوری اسلامی در عرصه بین المللی نیز در مسیر از دست دادن یک به یک جبهه هاست؛ از برجای

در آستانه سال تحصیلی جدید، جامعه ایران را سراسر اعتراض در بر گرفته و جمهوری اسلامی در موقعیتی درمانده، تضعیف شده و دست به گریبان با بحران های همه جانبه داخلی و خارجی؛ جدال میان مردم و حکومت لحظه به لحظه و با شدتی بیش از پیش در حرکت است و جامعه حلقه اعتراض را هر چه بیشتر بر جمهوری اسلامی تنگ تر می کند. در این اوضاع است که بازگشایی مدارس و دانشگاهها، بار دیگر صفوف میلیونی دانشجویان، معلمان، دانش آموزان و خانواده های آنها را به میدان مبارزه علیه حکومت به میدان می

این سنگر آزادی و برابری را خاموش کند و با هر تعرض حکومت، این شعله فروزان برابری طلبی یکی پس از دیگری توسط دانشجویان بدست گرفته شده؛ از تیرماه ۷۸ تا دیماه ۹۸ و تا به همین امروز جنبش دانشجویی نقشی تعیین کننده در جنبش برای به زیر کشیدن حکومت ایفا می کند که آخرین برآمدهای آن برمیکردد به توده ای کردن شعارهای «اصلاحطلب اصولگرا دیگه تمومه ماجرا» و «جمهوری اسلامی نابود باید گردد» در زمستان سال ۹۶ و ۹۸.

از این روی، امروز بیش از هر زمانی رهایی از این حکومت مافیای اسلامی، به اتحاد و همبستگی هر چه بیشتر جنبش دانشجویی با صفوف دیگر جنبش های اعتراضی گره خورده است. دانشجویان باید حول دستیابی به مطالبات به حق خود به میدان آیند و در آستانه سال تحصیلی جدید، با ایجاد تشکل های فراصنفی و شوراهای مستقل دانشجویی برای مبارزه ای فراگیر و سراسری علیه حکومت آماده شوند و پرچم آزادیخواهی و برابری طلبی را بار دیگر در یکایک دانشگاههای ایران به اهتزاز درآورند.

سازمان کمونیست ۲۰ شهریور ۱۴۰۱ ۱۱ سپتامبر ۲۰۲۲

تحصیل دانشجویان بهایی، طرح گفتمان دانشگاه های تک جنسیتی، تقویت نیروهای دانشجویی از طریق حراست و به راه انداختن گشت های موتور در محوطه دانشگاه ها برای استقرار تفکیک جنسیتی، شدت بخشیدن به بازداشت گسترده دانشجویان، معلمان و سایر فعالین و پرونده سازی برای آنان توسط حکومت هستیم. چرا که این حکومت دارد خود را برای نبردی تمام عیار با دانشجویانی آماده می کند که شعار نابودی اش را پیشتر در خیابانها فریاد زده اند؛ دانشجویانی که بازگشایی دانشگاهها در بهار امسال پس از دو سال وقفه به دلیل شیوع کرونا برایشان کافی بود که با تجمعات اعتراضی شورانگیز مانند آنچه در دانشگاه علم و صنعت گذشت، نسبت به قوانین و مناسبات زن ستیز حکومت و بازوی سرکوبش در دانشگاه یعنی حراست، قدرتمندانه اعتراض کنند. مبارزاتی که قطعاً با شروع سال تحصیلی ابعادی فراگیرتر و سراسری تر به خود خواهد گرفت و هر مساله در دانشگاه را به بحرانی برای حاکمیت تبدیل می کند.

جنبش دانشجویی طی دهه های اخیر به خوبی نشان داده است که فشار سرکوب حاکمیت مطلقاً نتوانسته چراغ دانشگاه،





# جنایتکاران اسلامی مهسای عزیزمان را هم کشتند!



هنوز زخم مرگ تراژیک شلیر رسولی التیام نیافته است که مهسا (ژینا) امینی دختر ۲۲ ساله ای که برای یک سفر تفریحی از سقز به تهران رفته بود، اسپر ارگانه‌های سرکوب حکومت شد و چنان مورد ضرب و شتم قرار گرفت که در همان ساعات اول دستگیری به کما رفت و پس از دو روز جدال با مرگ جان عزیزش را از دست داد.

جنایتکاران گشت ارشاد ساعت ۶ عصر روز ۲۳ شهریور مهسا را بجرم عدم رعایت حجاب لعنتی اسلامی دستگیر کردند و او را به خودرو جنایتکاران دیگری به اسم نیروی انتظامی تحویل دادند و آنها نیز در همان خودرو او را مورد ضرب و شتم قرار دادند و سپس او را تحویل جنایتکاران دیگری بنام پلیس اخلاقی در بازداشتگاه وزرا دادند و آنها نیز او را مورد ضرب و شتم قرار دادند و دختر ۲۲ ساله بیگناه به کما رفت. جنایتکاران دیگری در مرکز اطلاع رسانی فرماندهی انتظامی تهران بزرگ بدون ذکر اسم مهسا گفتند او را برای توجیه و آموزش! به یکی از بخش‌های پلیس تهران بزرگ فرستاده‌اند و بطور ناگهانی دچار عارضه قلبی شده است و جنایتکاران دیگری در سیستم قضایی و مجلس و دولت و رسانه‌هایشان جعلیات دیگری تحویل مردم می‌دهند و جنایتکاران دیگری از سپاه و نیروی انتظامی خانواده مهسا و مردم معترض را مورد تهدید قرار می‌دهند. همه آدمکش و خونخوار و جنایتکار! همه ضد انسان، همه ضد زن، همه وحشی و سرتاپا کثافت، همه «ارزشی» یعنی اسلامی پاک و ناب، دختر بیگناهی را به جرم اینکه حجابش اسلامی نبوده است بیرحمانه به قتل رساندند.

ما مردم باید هرچه سریعتر به این چرخه آدمکشی و جنایت پایان دهیم. هر یک روز که این نیروی خبیث اسلامی سرکار است با خود مرگ و نیستی می‌آورد. قتل مهسا امینی را به موجی از اعتراض برای سرنگونی حکومت آدمکش اسلامی تبدیل کنیم. باید شکنجه گران

وحشت افتاده‌اند و از رئیسی تا وزارت کشور، مجلس اسلامی، دادستانی تهران و بازرسی فرماندهی نیروی انتظامی خواهان بررسی این مساله شده‌اند!

این واقعه نه تنها مردم سقز و کردستان بلکه مردم در سراسر کشور را تکان داده است و خشم و انزجار گسترده‌ای را دامن زده است. فراخوان‌های اعتراضی مختلف فی الحال از جانب بخش‌هایی از مردم منتشر شده است. باید همه جا دست به تجمع و اعتراض زد. هزاران نفر از مردم مریوان قتل شلیر رسولی را به راهپیمایی سیاسی اعتراضی تبدیل کردند. قتل مهسا را باید با اعتراضی صدبار گسترده‌تر و تعرضی‌تر در سراسر کشور، پاسخ داد.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۲۵ شهریور ۱۴۰۱، ۱۶ سپتامبر ۲۰۲۲

و قاتلین را معرفی کنند. باید در برابر مردم پاسخ بدهند. باید دسته جمعی حجاب کثیف شان را زیر پا له کنیم.

یاد مهسای عزیز در قلب همه مردم خواهد ماند. صمیمانه به خانواده اش و به همه مردم تسلیت می‌گوییم.

مسبب قتل مهسا کل دم و دستگاه سرایا جنایت حکومت اسلامی است، از خامنه‌ای و رئیسی تا تمام نهادهای قانونگذار و سیستم قضایی و آیت الله‌ها و ارگانه‌های سرکوب و رسانه‌های حکومت. تمام این دم و دستگاه ضد بشری را با انقلاب عظیم مان در هم خواهیم شکست. با فریاد مرگ بر جمهوری آدمکش اسلامی صدای مهسا امینی باشیم و قاتلان را به محاکمه بکشیم. حکومتیان خود از ترس یک انفجار عظیم اعتراضی مردم به

**مسبب قتل مهسا کل دم و دستگاه سرایا جنایت حکومت اسلامی است، از خامنه‌ای و رئیسی تا تمام نهادهای قانونگذار و سیستم قضایی و آیت الله‌ها و ارگانه‌های سرکوب و رسانه‌های حکومت. تمام این دم و دستگاه ضد بشری را با انقلاب عظیم مان در هم خواهیم شکست. با فریاد مرگ بر جمهوری آدمکش اسلامی صدای مهسا امینی باشیم و قاتلان را به محاکمه بکشیم. حکومتیان خود از ترس یک انفجار عظیم اعتراضی مردم به وحشت افتاده‌اند و از رئیسی تا وزارت کشور، مجلس اسلامی، دادستانی تهران و بازرسی فرماندهی نیروی انتظامی خواهان بررسی این مساله شده‌اند!**